

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه سهامداران شرکت کارگزاری پگاه پاوران نوین (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۲۴۲۱۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۲۴۳۸۱-

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت کارگزاری پگاه پاوران نوین، نمایندگان قانونی آنان دعوت می گردد تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت، که رأس ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۳ در محل شرکت صنایع شیر ایران به نشانی تهران-خیابان آفریقا، پلاک ۲۵ به چهارم طبقه واقع (جهان کوک)، بین خیابان سیستوم و پلاک ۲۵ شرکت صنایع شیر ایران به نشانی تهران-خیابان آفریقا، پلاک ۲۵، در محل شرکت صنایع شیر ایران شرکت نمایند. بدینوسیله به همه سهامداران محترم اطلاع داده می شود که موضوع این جلسه: ۱- استماع گزارش هیأت مدیره و گزارش کارهای صورت گرفته و تصویب صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه سال مالی منتهی به ۱۳۹۶/۱۲/۲۹ و بررسی و تصویب صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه سال مالی منتهی به ۱۳۹۶/۱۲/۲۹ و تصویب تقسیم ۲- انتخاب حسابرس و بازرس قانونی اصلی و علی البدل برای سال مالی ۱۳۹۷ و تعیین حدود اختیارات و صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه می باشد. برای سال مالی ۱۳۹۷. ۳- انتخاب هیأت مدیره شرکت کارگزاری پگاه پگاه پاوران نوین (سهامی خاص)

شرکت خدمات ترابری و پشتیبانی نفت (سهامی خاص)

در حال تصفیه به شماره ثبت ۴۹۱۸۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۲۰۴۳۰ (نوبت دوم)

پیرو آگهی انحلال شرکت در خدمات ترابری و پشتیبانی نفت (سهامی خاص) -در حال تصفیه مندرج در روزنامه رسمی- شماره ۲۱۱۷۱ مورخ ۱۳۹۶/۸/۲۲ و در اجرای ماده ۲۲۵ اصلاحیه قانون تجارت، بدینوسیله از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که طلب یا ادعایی نسبت به شرکت خدمات ترابری و پشتیبانی نفت (سهامی خاص) -در حال تصفیه دارند دعوت به عمل می آید با همراه داشتن اسناد و مدارک مثبتیه جهت تعیین و تکلیف مطالبات خود ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ درج اولین آگهی به نشانی محل تصفیه تهران -میدان آرازانین ابتدای خیابان بهیقی روپرو ی روشکاه شهرپوند ساختمان مرکزی یازدهم پلاک ۲۸ کدپستی ۱۵۱۴۸۴۶۱۱۶ مراجعه نمایند.

شایان ذکر است پس از انقضای مهلت مذکور هیچگونه ادعایی پذیرفته نخواهد شد.

هیات تصفیه

آگهی دعوت از بستانکاران (نوبت سوم)

شرکت بین المللی تیر و فرو آوران ساحلی نو تک کیش (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۷۷۰۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۵۳۴۳۸۱-

در اجرای ماده ۲۲۵ قانون تجارت از کلیه بستانکاران شرکت بین المللی شماره ثبت ۱۷۷۰۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۵۳۴۳۸۱ که آگهی انحلال آن در روزنامه رسمی کشور به شماره ۲۱۲۲۱ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۵ است، دعوت به عمل می آید تا ظرف مدت حداکثر ۶ ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول با ارائه مدارک مثبتیه ادعای خود به محل تصفیه واقع در تهران - گاندی - خیابان بیست و یکم - خیابان آفریقا- پلاک ۵۴ طبقه اول - واحد جنوبی، کدپستی: ۱۵۱۷۸۴۴۹۱۱ مراجعه فرمائید. بدیهی است که شرکت در مورد هر گونه ادعای احتمالی که خارج از مهلت فوق به شرکت منعکس گردد مسئولیتی نخواهد داشت. تاریخ های چاپ ۱۳۹۷/۲/۲۳ - ۱۳۹۷/۳/۲۰ - ۱۳۹۷/۴/۲۰

مدیر تصفیه

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده (نوبت اول)

شرکت تعاونی مسکن امیدواسته به لشکر ۲۱ حمزه

بدینوسیله به اطلاع کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی بدینوسانده مجمع عمومی فوق العاده نوبت اول این شرکت، رأس ساعت ۱۷:۰۰ (هفدهادظهر) روز شنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۰۶ در محل سالن اجتماعات شهرک واقع در پارک مرکزی تشکیل می گردد از کلیه اعضای گرامی دعوت می شود تا در جلسه مذکور به موقع حضور به هم رسانند. شایان ذکر است این مجمع به حضور دو سوم کل اعضا شرکت تعاونی رسمیت می یابد و تصمیمات متخذه آن برای کلیه اعضا (اعم از غائب و مخالف) نافذ و لازم الاجرا خواهد بود.

دستور جلسه:

۱- تصویب تمدید اساسنامه تعاونی به مدت ۵ سال

۲- تصویب اصلاح ماده ۲۶ اساسنامه (حذف کلمه مطلق از ماده مزبور)

۳- تصویب اقدام مبنی بر اینکه «پس از صدور سبند تفکیکی به نام اعضای تعاونی، ماده ۵۹ اساسنامه اجرا خواهد شد».

شرکت تعاونی مسکن امید

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی

شرکت سنگ آهن مرگزی ایران (سهامی خاص)

به شماره ثبت ۱۹۶۸۹ و شناسه ملی ۰۰۰۷۹۶۰۰۸۴۰۱-

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت که رأس ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۳۹۷/۴/۳۰ در محل موسسه صندوق حمایت و بازنشستگی کارکنان فولاد واقع در تهران -خیابان وزراء - بین خیابان دوازدهم و چهاردهم- پلاک ۵۴ تشکیل خواهد شد، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

۱-استماع گزارش هیئت مدیره در رابطه با عملکرد سال ۱۳۹۶. ۲-استماع گزارش حسابرسان و بازرس قانونی برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۶/۱۲/۲۹. ۳- بررسی و تصویب ترازنامه و حساب سود (زیان) برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۶/۱۲/۲۹. ۴- انتخاب اعضای هیئت مدیره. ۵-انتخاب حسابرس و بازرس قانونی برای سال ۱۳۹۷. ۶- تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای سال ۱۳۹۷. ۷- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی باشد.

محمدرحمان عسگری – رئیس هیئت مدیره

آگهی دعوت از بستانکاران (نوبت سوم)

شرکت بارز گانی رادین بهساز منطقه آزاد انزلی (سهامی خاص) به شماره ثبت ۵۸۱ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۹۰۵۴۸۲-

رادین بهساز منطقه آزاد انزلی در حال تصفیه (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۵۹۱ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۹۰۵۴۸۲ که آگهی انحلال آن در روزنامه رسمی کشور به شماره ۲۱۱۲۵ مورخ ۱۳۹۶/۶/۲۷ است، دعوت به عمل می آید تا ظرف مدت حداکثر ۶ ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول با ارائه مدارک مثبتیه ادعای خود به محل تصفیه واقع در تهران - گاندی - خیابان بیست و یکم - خیابان آفریقا- پلاک ۵۴ طبقه اول - واحد جنوبی، کدپستی: ۱۵۱۷۸۴۴۹۱۱ مراجعه فرمائید. بدیهی است که شرکت در مورد هر گونه ادعای احتمالی که خارج از مهلت فوق به شرکت منعکس گردد مسئولیتی نخواهد داشت. تاریخ های چاپ ۱۳۹۷/۲/۲۰ - ۱۳۹۷/۳/۲۰ - ۱۳۹۷/۴/۲۰

مدیر تصفیه

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه ۱۳۹۶ شرکت صندوق پژوهش و فناوری غیر دولتی سلامت تهران (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۴۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۲۹۴۲۴۳-

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت صندوق پژوهش و فناوری غیر دولتی سلامت تهران (سهامی خاص) و نمایندگان قانونی آنان دعوت به عمل می آید در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت که به شرح ذیل برگزار می گردد، حضور به هم رسانند. مکان: تهران، میدان آرازانین، خیابان وزرا، پلاک ۶ طبقه ۲ دستور جلسه:

- ۱-استماع گزارش هیأت مدیره و بازرس قانونی شرکت در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۶/۱۲/۲۹
- ۲-بررسی و تصویب صورت های مالی و عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۶/۱۲/۲۹
- ۳-انتخاب تصمیم در خصوص تقسیم سود
- ۴-تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت در سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹
- ۵-تعیین پاداش اعضای هیات مدیره
- ۶-تعیین حق حضور اعضای غیر موظف هیات مدیره
- ۷-سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه باشد

هیات مدیره شرکت صندوق پژوهش و فناوری سلامت تهران

«آگهی فراخوان عمومی جهت ارزیابی کیفی مشاوران» نوبت دوم

شرکت سهامی بیمه ایران در نظر دارد، بر اساس بند همداده ۲۹ قانون برگزاری مناقصات، انجام خدمات مشاوره و نظارت به شرح این آگهی را از طریق فراخوان عمومی به روش قیمت و کیفیت (QCBS) به شرکت مهندسین مشاور واجد شرایط واگذار نماید.



موضوع انجام کار:

عبارت است از انجام خدمات مشاوره و نظارت بر پروژه «تأمین تجهیزات برای توسعه مرکز داده»

مدت انجام کار:

مدت انجام خدمات مشاوره یکسال شمسی می باشد.

همعیارهای ارزیابی کیفی مشاوران:

۱. تجربه (سابقه اجرایی)

۲. ارزیابی کارفرمایان قبلی

۳. ساختار سازمانی مشاور

۴. خلایقیت و ابتکار مشاور در طرح ها و پژوهش های قبلی

۵. سایر موارد به تشخیص کارفرما

مقتضایی که دارای حداقل رتبه ۳ به صورت توانمن در «رشته های شبکه داده های رایانه ای و مخابراتی» و «مشاوره و نظارت بر اجرای طرح های انفورماتیک» و ظرفیت خالی و آمادگی اجرای موضوع فراخوان را داران، می توانند حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز از درج ضمن آگهی ضمن آگهی ثبت کنشی به همراه یک نسخه از تاییدیه رتبه بندی معتبر از شورای عالی انفورماتیک و تصویر روزنامه رسمی، جهت دریافت اسناد ارزیابی کیفی به نشانی تهران، میدان ونک، خیابان ملاصدرا، پلوار شیراز جنوبی، پلوار بریز غربی، پلاک ۵۱ ضلع شمالی طبقه ششم کمسیون معاملات شرکت سهامی بیمه ایران مراجعه و اسناد ارزیابی را پس از تکمیل، حداکثر ظرف مدت یک هفته به آدرس مذکور تحویل و رسید دریافت نمایند.

مدارک مناقصه به متقاضیان واجد شرایط که امتیاز و حد نصاب لازم را کسب نمایند تحویل خواهد شد.

شرکت سهامی بیمه ایران

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت گروه سرمایه گذاری میراث فرهنگی و گردشگری ایران (سهامی عام)

به شماره ثبت ۲۵۰۲۸۲ و شناسه ملی ۰۱۰۱۰۳۹۹۲۴۵۴-

جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده صاحبان سهام شرکت گروه سرمایه گذاری میراث فرهنگی و گردشگری ایران (سهامی عام) ثبت شده به شماره ۲۵۰۲۸۲ و شناسه ملی ۰۱۰۱۰۳۹۹۲۴۵۴- تهران، رأس ساعت ۰۹:۳۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۱ در محل هتلهای بین المللی فرودگاه امام خمینی(ره) به نشانی تهران، کیلومتر ۳۰ اتوبان خلیج فارس (تهران-قم) ضلع جنوبی اتوبان اصلی فرودگاه بین المللی امام خمینی(ره)، روبه روی ترمینال مسافربری شماره یک، هتل نووتل به شماره تلفن ۵۵۶۷۷۹۰۰، تشکیل خواهد شد. بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم، وکلا یا نمایندگان قانونی ایشان دعوت می شود تا برای اخذ تصمیم در مورد دستور جلسه مجمع با در دست داشتن اسناد نمایندگی و کارت شناسایی معتبر برای دریافت برگ ورود به جلسه مجمع از ساعت ۰۹:۰۰ الی ۰۹:۳۰ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۱ در محل برگزاری مجمع مراجعه نمایند.

یادآوری می شود به همراه داشتن اصل شناسنامه یا کارت ملی سهامدار یا نمایندگان ایشان و تحویل تصویر آن به همکاران امور سهام جهت ورود به جلسه الزامی است.

دستور جلسه:

۱. استماع گزارشهای عملکرد هیأت مدیره برای دوره مالی سه ماهه منتهی به ۱۳۹۶/۱۲/۲۹.
۲. استماع گزارش حسابرس و بازرس قانونی نسبت به صورت های مالی سه ماهه منتهی به ۱۳۹۶/۱۲/۲۹.
۳. بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به ترازنامه و صورت سود و زیان دوره مالی سه ماهه منتهی به ۱۳۹۶/۱۲/۲۹.
۴. اتخاذ تصمیم در خصوص سود قابل تقسیم.
۵. تفهید و تصویب معاملات موضوع ماده ۱۲۹ اصلاحیه قانون تجارت.
۶. تعیین پاداش و حق حضور اعضای هیات مدیره.
۷. انتخاب بازرسان قانونی اصلی و علی البدل و حسابرس مستقل و تعیین حق الزحمه آنها برای یکسال آینده.
۸. انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت
۹. سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه می باشد.

هیات مدیره شرکت گروه سرمایه گذاری میراث فرهنگی و گردشگری ایران (سهامی عام)

آگهی تغییرات شرکت صادرات تجهیزات و خدمات صنایع آب و برق ایران

صاینر شرکت سهامی خاص

به شماره ثبت ۱۱۰۳۱۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۴۰۴۲۰-

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۱ سرمایه ازمیلع ۲۵ میلیارد ریال به مبلغ ۶۵ میلیارد ریال منقسم بر ۶۵۰۰۰۰ سهم بنام ۱۰۰۰۰ ریالی از محل مطالبات حال شده سهامداران افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق الذکر تکمیل امضا، گردیده است.

به استناد صورتجلسه از کلیه سهامداران شرکت توسعه توان انرژی پویا (سهامی خاص) دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت فوق که روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۱ در محل دفتر شرکت واقع در آدرس: تهران، خیابان سعادت آباد، خیابان علامه جنوبی، خیابان قله طلب غربی پلاک ۳۱ طبقه ۹ واحد ۳۷ تشکیل می گردد، حضور به هم رسانند. **دستور جلسه:** ۱- استماع گزارش هیات مدیره در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۶/۱۲/۲۹ ۲- استماع گزارش بازرس قانونی شرکت ۳- تصویب صورت های مالی منتهی به سال مالی ۱۳۹۵ ۴- تصویب رسید - موسسه حسابرسی - هشیار بهمنی به شناسه ملی ۰۱۰۰۱۶۸۷۴۶ ۵- به عنوان بازرس اصلی و موسسه بهمنی به شناسه ملی ۰۱۰۰۱۷۴۴۹۰ ۶- عنوان بازرس علی البدل شرکت برای یکسال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه اطلاعات بعنوان روزنامه کثیرالانتشار شرکت جهت درج آگهی های شرکت در سال ۱۳۹۶ تعیین گردید. ۷- تعیین مدیره برای مدت دوسال بشرح ذیل انتخاب گردیدند. - شرکت قدس نیرو به شناسه ملی ۰۱۰۰۰۹۳۲۰۱۵ ۸- شرکت نصب نیرو به شناسه ملی ۰۱۰۰۱۲۸۰۰۰۵۳ ۹- شرکت بیابنا به شناسه ملی ۰۱۰۰۱۳۵۱۷۸۱ ۱۰- شرکت تهران پادنا به شناسه ملی ۰۱۰۰۸۴۰۰۰۶۷۴۵۷ ۱۱- شرکت آلومتک به شناسه ملی ۰۱۰۰۰۴۵۳۰۰۶۴ ۱۲- شرکت کرمان بالبو به شناسه ملی ۰۱۰۰۶۳۰۰۰۶۵۹۶۷ ۱۳- شرکت مینا بهینه سازان نیرو به شناسه ملی ۰۱۰۰۳۵۷۴۴۰۸

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۱۸۴۴۵۸)

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت تولیدی ایران بوستر (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۴۷۴ و شناسه ملی ۰۱۰۰۰۹۹۶۰۰۰-

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت تولیدی ایران بوستر (سهامی خاص) دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت که رأس ساعت ۱۶ مورخ ۱۳۹۷/۳/۲۱ در محل شرکت واقع در چهارباغ پاد، کوچه تقی زاده، پلاک ۱۰ برگزار می گردد، حضور به هم رسايد. دستور جلسه: ۱- تصویب ترازنامه های منتهی به مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۹ و ۲- تصویب تقسیم سود و ۳- انتخاب بازرسین شرکت ۴- تغییر آدرس شرکت ۵- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار ۶- تصمیم گیری در خصوص مواردی که در صلاحیت مجمع باشد.

هیئت مدیره

به نام ایزدیکتا

شرکت سرمایه گذاری پارس آریان (سهامی عام)

به شماره ثبت: ۱۹۲۷۹۶ شناسه ملی: ۱۰۱۰۲۳۴۷۳۲۱-

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام

به اطلاع کلیه سهامداران محترم می رساند مجمع عمومی فوق العاده شرکت سرمایه گذاری پارس آریان (سهامی عام) راس ساعت ۲۰ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۳۱ در محل دانشگاه خاتم واقع در تهران، خیابان ملاصدرا، خیابان شیرازی شمالی، خیابان حکیم اعظم، پلاک ۳۰ تشکیل خواهد گردید.

بدینوسیله از سهامداران گرامی، وکلا یا نمایندگان قانونی محترم آنان دعوت به عمل می آید جهت اخذ برگ ورود به جلسه از تاریخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۶ تا پایان وقت اداری روز ۱۳۹۷/۰۴/۲۷ با در دست داشتن اصل برگ سهام و مدارک شناسایی، وکالت نامه یا برگ نمایندگی معتبر به آدرس امور سهام شرکت واقع در تهران، خیابان آفریقا، بالاتر از چهارراه جهان کودک، نرسیده به میرداماد، نیش کوچه سپیدار، پلاک ۶۱ طبقه اول مراجعه فرمایند.

دستور جلسه:

۱- تصویب اساسنامه جدید شرکت به منظور انطباق با ضوابط سازمان بورس و اوراق بهادار

۲- سایر موارد

هیات مدیره شرکت سرمایه گذاری پارس آریان (سهامی عام)

به نام ایزد یکتا

شرکت سرمایه گذاری پارس آریان (سهامی عام)

به شماره ثبت: ۱۹۲۷۹۶ شناسه ملی: ۱۰۱۰۲۳۴۷۳۲۱-

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام

به اطلاع کلیه سهامداران محترم می رساند مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت سرمایه گذاری پارس آریان (سهامی عام) راس ساعت ۱۹ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۳۱ در محل دانشگاه خاتم واقع در تهران، خیابان ملاصدرا، خیابان شیرازی شمالی، خیابان حکیم اعظم، پلاک ۳۰ تشکیل خواهد گردید.

بدینوسیله از سهامداران گرامی، وکلا یا نمایندگان قانونی محترم آنان دعوت به عمل می آید جهت اخذ برگ ورود به جلسه از تاریخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۶ تا پایان وقت اداری روز ۱۳۹۷/۰۴/۲۷ با در دست داشتن اصل برگ سهام و مدارک شناسایی، وکالتنامه یا برگ نمایندگی معتبر به آدرس امور سهام شرکت واقع در تهران، خیابان آفریقا، بالاتر از چهارراه جهان کودک، نرسیده به میرداماد، نیش کوچه سپیدار، پلاک ۶۱ طبقه اول مراجعه فرمایند.

دستور جلسه:

۱-استماع گزارش های هیات مدیره در خصوص عملکرد سال های مالی منتهی به ۱۳۹۵/۱۲/۳۰ و ۱۳۹۶/۱۲/۲۹

۲-استماع گزارش های حسابرسان و بازرسان قانونی سال های مالی منتهی به ۱۳۹۵/۱۲/۳۰ و ۱۳۹۶/۱۲/۲۹

۳-بررسی و تصویب صورت های مالی سال های مالی منتهی به ۱۳۹۵/۱۲/۳۰ و ۱۳۹۶/۱۲/۲۹

۴-تصویب میزان سود قابل تقسیم سال های مالی منتهی به ۱۳۹۵/۱۲/۳۰ و ۱۳۹۶/۱۲/۲۹

۵-تصویب میزان پاداش و جبران خدمت اعضای هیات مدیره برای سال های مالی منتهی به ۱۳۹۵/۱۲/۳۰ و ۱۳۹۶/۱۲/۲۹

۶-انتخاب بازرسان اصلی و علی البدل و جبران خدمت آن ها برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹

۷-تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹

۸-سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه باشد.

هیات مدیره شرکت سرمایه گذاری پارس آریان (سهامی عام)

ردیف	نشانی	حدود عرصه مترمربع	حدود اعیان متر مربع	کاربری	قیمت پایه (میلیون ریال)	توضیحات
۱	تهران- جاده ساوه - چهاردانگه - خیابان شهید خزایی- محل سابق کارخانه پشم بافی جهان - ۱۹۸ الی ۲۰۰ و ۲۸۳ الی ۲۸۸ و ۳۶۲ و ۳۶۳ و ۳۹۸ و ۳۹۹ و ۴۰۳ و ۴۷۶ و ۴۷۷ فرعی از اصل	۵۵۲۳۰	۱۷۵۲۳	کارگاهی و صنعتی	۳۲۰،۰۰۰	دارای انشعابات آب و برق و گاز
۲	اسلامشهر بعد از میدان نماز - شهرک سعیدی - روپرو بیمارستان امام رضا - پلاک ثبتی ۵۲/۱۵۵	۱۳۶۰۰	فاقد اعیانی	مختلط	۷۷،۰۰۰	بخشی از زمین در طرح شهرداری قرارداد
۳	احمدآباد مستوفی- بعد از میدان نماز - شهرک سعیدی - فیروز بهرام- جنب شرکت بتون ویلا - بلوک اف ۱۰ پلاک ثبتی ۱۰۳۴ الی ۱۰۴۲ و ۱۰۴۸ فرعی از اصلی	۱۰۰۰۰۰	فاقد اعیانی	کشاورزی	۱۰۰،۰۰۰	—
۴	تبریز - جاده تهران - بعد از میدان بسیج - کوی صنعتی ایردک - پلاک ثبتی ۱۱۰۰ فرعی از اصلی بخش ۹ تبریز	۸۵۰۰	فاقد اعیانی	فرهنگی ورزشی	۴۷،۶۰۰	—
۵	تبریز - خیابان قدس - بعداز مسجد آل محمد - نبش کوچه شهید غریب دوست - پلاک ثبتی ۱۴۵ از ۴۰۳۶ اصلی	۵۲۵/۵۰	۱۵۷۶/۵۰ ۶۴۱	مسکونی تجاری	۱۱۴،۰۰۰	اتصاات آب و برق و گاز (۱۰ واحد مسکونی ۱- واحد تجاری ۴۳۸ مترمربع تجاری همکف ۱۷۰ مترمربع پارکین در نیم طبقه همکف ۳۳ و ۳۴ مترمربع آبنار تجاری در همکف)
۶	تبریز خیابان ۲۲ بهمن (راه آهن) - بعد از چهارراه خطیب (دامپزشکی) - جنب کوی بهراد - پلاک ۱۶ پلاک ثبتی ۷۸۸۲/۱۲۵ و ۷۸۸۲/۷۰ و ۷۸۸۲/۶۹ و ۷۸۸۲/۷۸۸۲	۲۵۰/۴	۳۱۶/۸۴ ۳۵۹/۱۴	مسکونی تجاری	۶۵،۰۰۰	طبقه همکف تجاری ۲۸۶/۸۴ مترمربع و زیر زمین تجاری ۱۳۴/۳ مترمربع - دو واحد مسکونی هرکدام به مساحت ۱۵۸/۴ مترمربع
۷	فریدنکنار - روپروی دریا کنار - خیابان چمران - چمران ۷ - ویلا دوبلکس ۴۴ واحدی	۱۰۸۹۰	۱۰۰۹۰	مجمع ویلایی	۴۱۶،۰۰۰	۱۷ واحد دوبلکس ۲۷ واحد تریبلکس

رعایت شرایط ذیل جهت شرکت در مزایده برای متقاضیان خرید الزامی است:

۱- واریز ۵٪ قیمت پایه بابت هرکدام از املاک فوق به حساب شرکت عماد به شماره ۰۲۰۰۴۰۸۶۰۲۰۰۵ نزد بانک دی شعبه پل رومی

۲- اخذ، تکمیل و تحویل فرم الف و ب از شرکت عماد به همراه اصل فیش بانکی مربوط به سپرده شرکت در مزایده (برای هر پلاک بصورت جداگانه)

۳- پرداخت حداقل ۳۰ درصد بهای ملک بصورت نقدی در هنگام تنظیم مبیاعه نامه و مابقی در مراحل تحویل و انتقال سند رسمی

۴- پرداخت هزینه آگهی مزایده و حق الزحمه کارشناسی به عهده برنده مزایده بوده، در مبلغ مبیاعه نامه منظور خواهد شد.

۵- شرکت نبرو به تشخیص خود در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات واصله مختار خواهد بود .

۶- به پیشنهادات مبهم ، مشروط و فاقد سپرده بانکی ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۷- مهلت ارسال پیشنهادات تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۳۰ خواهد بود. ضمناً متقاضیان خرید مکلفند قبل از انقضاء فرجه اعلامی پیشنهادات خود را به محل قانونی شرکت عماد واقع در تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از پل رومی، خیابان موسیوند، پلاک ۵۲ تحویل دهند.

بازگشایی پاکات در تاریخ ۱۳۹۷/۰۴/۳۱ رأس ساعت ۱۰ صبح در محل شرکت صورت می پذیرد (حضور متقاضی و یا نماینده رسمی ایشان در جلسه بازگشایی پاکات بلامانع می باشد) بدیهی است برنده مزایده طرف مدت ۴۸ ساعت کاری پس از بازگشایی پاکات معرفی خواهد شد.

۸- قیمت پیشنهادی نباید از قیمت پایه اعلام شده در جدول فوق کمتر باشد.

۹- بازدید از املاک مورد نظر با اخذ مجوز و هماهنگی با شرکت میسر می باشد.

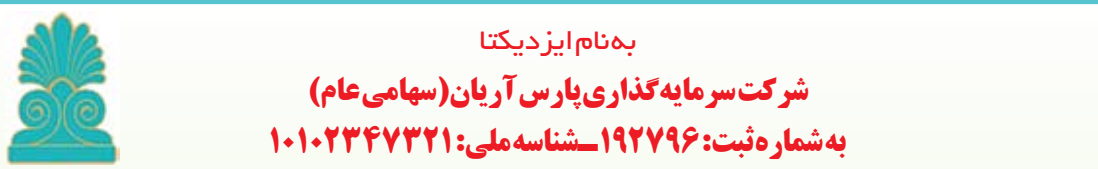
شماره تماس شرکت عماد: ۲۲۶۹۸۹۱۰

چهارشنبه ۲۰ تیر ۱۳۹۷ - ۲۷ شوال ۱۴۳۹ - ۱۱ جولای ۲۰۱۸ - سال نود سوم - شماره ۲۷۰۴۶

آگهی دعوت سهامداران شرکت صنعت و آبادانی پارس (سهامی خاص) جهت تشکیل جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه به شماره ثبت ۲۱۴۶۰۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۵۰۲۰۶-

باسلام، احتراماً خواهشمندست در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه که رأس ساعت ۱۵:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۷/۳/۲۱ در دفتر مرکزی این شرکت واقع در برزگرود کرمان، خیابان شیراز جنوبی، نیش کوچه راه، پلاک ۲۰ طبقه نهج، کدپستی ۱۳۹۶/۵۲۴۶۱ برگزار می گردد حضور بهر رسانید. **دستاور جلسه:** ۱- تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان منتهی به سال مالی ۱۳۹۶. ۲- انتخاب بازرسان ۳- تعیین اعضاء هیات مدیره ۴-سایر مواردی که در اختیار مجمع می باشد.

هیات مدیره



به اطلاع کلیه سهامداران محترم می رساند مجمع عمومی فوق العاده شرکت سرمایه گذاری پارس آریان (سهامی عام) راس ساعت ۲۰ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۳۱ در محل دانشگاه خاتم واقع در تهران، خیابان ملاصدرا، خیابان شیرازی شمالی، خیابان حکیم اعظم، پلاک ۳۰ تشکیل خواهد گردید.

بدینوسیله از سهامداران گرامی، وکلا یا نمایندگان قانونی محترم آنان دعوت به عمل می آید جهت اخذ برگ ورود به جلسه از تاریخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۶ تا پایان وقت اداری روز ۱۳۹۷/۰۴/۲۷ با در دست داشتن اصل برگ سهام و مدارک شناسایی، وکالت نامه یا برگ نمایندگی معتبر به آدرس امور سهام شرکت واقع در تهران، خیابان آفریقا، بالاتر از چهارراه جهان کودک، نرسیده به میرداماد، نیش کوچه سپیدار، پلاک ۶۱ طبقه اول مراجعه فرمایند.

دستور جلسه:

۱- تصویب اساسنامه جدید شرکت به منظور انطباق با ضوابط سازمان بورس و اوراق بهادار

۲- سایر موارد

هیات مدیره شرکت سرمایه گذاری پارس آریان (سهامی عام)

به نام ایزد یکتا

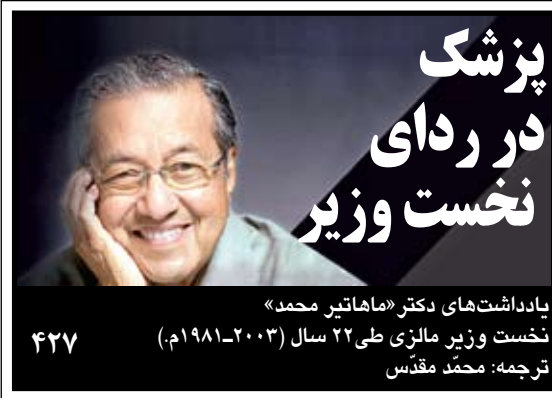
شرکت سرمایه گذاری پارس آریان (سهامی عام)

به شماره ثبت: ۱۹۲۷۹۶ شناسه ملی: ۱۰۱۰۲۳۴۷۳۲۱-

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام

به اطلاع کلیه سهامداران محترم می رساند مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت سرمایه گذاری پارس آریان (سهامی عام) راس ساعت ۱۹ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۳۱ در محل دانشگاه خاتم واقع در تهران، خیابان ملاصدرا، خیابان شیرازی شمالی، خیابان حکیم اعظم، پلاک ۳۰ تشکیل خواهد گردید.

بدینوسیله از سهامداران گرامی، وکلا یا نمایندگان قانونی محترم آنان دعوت به عمل می آید جهت اخذ برگ ورود به جلسه از تاریخ ۱۳۹۷/



یادداشت‌های دکتر «ماهانیر محمد»

نخست وزیر مالزی طی ۲۲ سال (۲۰۰۳-۱۹۸۱م.)
تخمه: محمّد مغلّزى

ولی محمّد نماینده‌گی‌های مناسبی برای این کار نیافته‌ام. سرمایه‌گذاری در ایجاد علوفار برای دام در آرژانتین، ایده ای جالب است زیرا ما در حال حاضر مقادیر زیادی غلف از کشورهای دیگر وارد می‌کنیم. متقاعد ساختن مالزیایی‌ها برای رفتن به این کشور خیلی دور – عملاً در آنسوی کره خاکی – مأموریت دشواری است. خوشبختانه من توانستم "اروموگام" را متقاعد سازم. او مردی با اراده است و ثابت کرده وقتی اراده وجود داشته باشد همواره وسیله کار هم فراهم می‌شود. مالزیایی‌ها نباید تنها به تلاش برای دستیابی به بازارهای آسان و معمولی همت بگذارند؛ در زمانهای قدیم مالایا سرزمینی تجاری بود و به لحاظ قرار گرفتن در مسیر شرق و غرب آسیا و تسامح در شرق آسیا و اروپا موقعیتی استراتژیک داشت.

اینک نیز "مالزی" تبدیل به کشور تجاری بزرگی شده که حجم تجارت خارجی آن معادل تولید ناخالص ملی آن است و ملی ما باید همچنان در اندیشه توجه به تجارت و گسترش آن باشیم و برای این کار نیازمند مالزیایی‌های ماجراجو، سرمایه‌گذاران و بازرگانان گاه خطر و پیمانکاران هوشمندانه هستیم که فرصت‌ها را دریابند و محاسبات درستی انجام دهند و با کسب نتایج سودآور، شکوفا شوند. دولت نیز باید راه را هموار سازد و این روند را تشویق کند. ولی مطمئناً در واقعیسی باید بر دوش بازرگانان مالزیایی قرار گیرد. موقعیتی که ما به دست آورديم این حرف را ثابت می‌کند.

امروز بازرگانان و پیمانکاران مالزیایی از حضوری فعال و پررنگ در نقاط مختلف جهان برخوردارند و آنها صاحبان عده سهام شرکت‌های بیگانه‌ای هستند که نام آنها برندهای مشهور تجاری در جهان است. ممکن است "آرژانتین" فاصله بسیار زیادی با ما داشته باشد ولی در جهان‌پلدون مرم، هرگز جایی دورتر از اینکه توجه ما را جلب کند و سرمایه‌گذاران ما را به آنجا بکشاند، وجود ندارد. آمریکای لاتین تنها منطقه‌ای نیست که هیأت‌هایی را به آنجا اعزام داشتیم. زمانی که وزیر تجارت بین‌الملل و صنعت بوم‌زیر ریاست ششماری از هیأت‌های آنکه نخست وزیر شده بودند در آنجا بیشتر را در برابر سرمایه‌گذاران و بازرگانان کشور بگشاییم.

بر این اساس بود که هر سه ساله دست کم در رأس دو هیات حرفه ای عازم کشورهایی شدم که مالزیایی‌ها تا پیش از آن آشنایی چندانی با آنها نداشتند. به کشورهایی اروپای شرقی و روسیه رفتم و سپس عازم کشورهای تازه استقلال یافته آسیای میانه و سپس در رأس هیات بزرگی شامل ۲۰ نفر بالاخره پس از گشایشی که در برابر جهان داشت، عازم این کشور شدم. چین در مقایسه با "مالزی" کشوری عقب مانده بود و خیلی زود هموطنان ما تعداد زیادی قرارداد ساخت و راه اندازی راه و پل‌های ترافیکی با آنها امضا کردند ولی چینی‌ها به سرعت همه چیز را فرا گرفتند و توانایی راه‌های کار، این هم با هزینه‌های بسیار پایین را پیدا کردند، اینک شهربراندان ما همچنان در آنجا مورد استقبال قرار می‌گیرند و من مطمئن هستم که رشد سریع چین فرصت‌های کاری زیادی برای مالزیایی‌ها خواهد کرد.

در اروپا هم، ما در اصل با کشور انگلستان تجارتی برقرار کردیم زیرا بیش از هر کشور دیگری آن را می‌شناختیم ولی در عین حال با شتاب این روابط را گسترش دادیم تا شامل دیگر کشورهای اروپایی از جمله اروپای شرقی می‌شود. ما در نمایشگاه‌های بزرگ – که به خوبی همه مدبریت و سلسله‌های می‌شدند. – شرکت کردیم و کلاه‌های تولید مالزی به تمامی بازارهای اروپایی راه پیدا کرد. ما در کشورهای آفریقای هم شدیداً مورد استقبال قرار گرفتیم ولی غالباً دولتهای این کشورها مشکل آفرین بودند.

<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>

<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>

<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>

<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>

<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>

گروه‌سه دولت آمریکا پیش از آغاز مذاکرات با کره‌شمالی وعده داده بود پروژه "خلع سلاح کامل، قابل تایید و برگشت‌ناپذیر را دنبال می‌کند اما در نهایت اعلامیه‌ای بدون آنها را به امضا رساند.

به گزارش ایستنا، به نقل از خبرگزاری فرانسه، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا و کیم جونگ اون، رهبر کره‌شمالی اعلامیه‌ای تاریخی را در کیمجیاپور به امضا رساندند اما جای خالی دو واژه کلیدی در این سند مشترک به شدت احساس می‌شود. واشنگتن مدت‌هاست روی "خلع سلاح هسته‌ای کامل، قابل تایید و غیر قابل بازگشت" تاکید داشت. تمامی اینن واژگان اهمیت دارند چرا که ایالات متحده قصد داشت اطمینان حاصل کند که پیونگ‌یاگ اجازه بازرسی می‌دهد تا از اجرای وعده‌های آن اطمینان حاصل شود.

آمریکا هم کمتر از ۲۲-ساعت قبل از دیدار رهبران کره‌شمالی و آمریکا گفت: ما سیستمی برای راستی‌آزمایی ایجاد خواهیم کرد. ما دنبال این هدف هستیم. این مساله‌ای است که قبلا به آن پی نوجویی شده است.با این حال، واژه "قابل تایید" در هیچ جای این اعلامیه مشترکی که به امضای ترامپ و کیم رسید، پاماده است و از درخواست کلیدی دیگر واشنگتن که خلع سلاح "غیر قابل بازگشت" است، خبری نیست. در عوض کره‌شمالی متعهد شد - تا در راستای "خلع سلاح کامل" شبه‌جزیره کره حرکت کند.این عبارت یک سخن تعبیر دیپلماتیک است از دو طرف می‌شود آن را تفسیر گسترده کرد: پیونگ‌یاگ در گذشته خواستار خروج نیروهای آمریکایی از کره‌جنوبی شده و گفته بود زمانی تسلیحات هسته‌ای را کنار می‌گذارد که تمام قدرت‌های هسته‌ای اقدامی مشابه انجام دهند.

کاب-وو، پروفیسور دانشگاه مطالعات کره‌شمالی در ستور می‌گوید: گمان می‌کنم آنها روی خلع سلاح کامل، قابل تایید و غیر قابل بازگشت توافق کردند. احتمالاً برای سنجش صحت اقدامات کره‌شمالی، آمریکا خواستار تستی - سه بر جا هر راه زمانی شده بود، اما پیونگ‌یاگ مخالفت کرده است، او گفت:برگشت‌ناپذیری پیچیده‌تر است، زیرا این امر مربوط به داده‌هایی است که پیونگ‌یاگ طی دهه‌ها توسعه سلاح‌هایش اثباتش و دانشمندان هسته‌ای خود را در آن گماشته است.او گفت:این هسته برگشت‌ناپذیری است و به نظر می‌رسد که آنها توانسته‌اند روی آن به توافق برسند.این چهره اطمینان‌اشاره کرد در این رویداد، موضوعاتی که در این توافقنامه برسته نشده بود شباهت‌هایی به سه‌مقاله اخیر رودونگ شیمون، روزنامه رسمی حزب کارگران حاکم کره‌شمالی داشت. او تاکید کرد: «توانایی اجرای اهداف و اهدافی را برای آمریکا به آن وارد شود.رئیس‌جمهوری آمریکا بعداً به خبرنگاران گفت:زمانی برای بحث درباره جزئیات خلع سلاح هسته‌ای نبود. او گفت، من خیلی اینجا نیستم. امروز اتفاق خیلی بزرگی رخ نداد چون این موضوع باید مورد کنترل

قرار بگیرد. این راستی‌آزمایی می‌شود. ما راستی‌آزمایی را انجام می‌دهیم. **بازی مدعیان قدرت در سنگاپور** کارشناسان آمریکایی اعتقاد دارند با اینکه دونالد ترامپ توافق هسته ای ایران را ناکارآمد و ناقص دانسته است اما این موقعیتی برای وی به شمار می رود اگر بتوانند با پیونگ یانگ توافقی همچون برجام را به امضا برسانند.به گزارش گروه تحلیل، تفسیر و پژوهش‌های خبری ایرنا، بسا وجودی که دیدار صورت گرفته اما در مورد نتیجه نشست «دونالد ترامپ» و

با همه تلاش‌های گذشته متفاوت خواهد بود. تارنمای شبکه خبری بلومبرگ آورده است نوع رویکرد جدید ترامپ به کره‌شمالی ارتباطی با موضوع ایران ندارد زیرا به اعتقاد تحلیلگران، جغرافیا و تاریخ این موضوع کاملاً متفاوت است؛ ضمن اینکه تنش در شرق آسیا به اندازه منطقه خاورمیانه شدید و عمیق نیست و حالت انفجاری ندارد.

نگاهی به گذشته نشان می‌دهد پیش از این ۳ بار و در سال‌های ۱۹۹۲، ۲۰۰۵، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۲ توافق‌های گوناگون

در مورد نتیجه نشست «دونالد ترامپ» و «کره‌سه دولت آمریکا پیش از آغاز مذاکرات با کره‌شمالی و عده داده بود پروژه "خلع سلاح کامل، قابل تایید و برگشت‌ناپذیر" را دنبال می‌کند اما در نهایت اعلامیه‌ای بدون آنها را به امضا رساند

«کارشناسان آمریکایی اعتقاد دارند با اینکه دو نالد ترامپ توافق هسته‌ای ایران را ناکار آمد و ناقص دانسته است اما این موقعیتی برای وی به شمار می‌رود اگر بتواند با پیونگ یانگ توافقی همچون برجام را به امضا برساند

«کیم جونگ اون» آینده تحولات میان دو کشور و شرایط شبه جزیره کره تردیدهایی فراوانی وجود دارد. رئیس جمهوری ایالات متحده پیشش از ترک کانادا به سمت سنگاپور، این ملاقات را فرصتی برای کره شمالی تفسیر کرد و دیدار با رهبر این کشور را مأموریتی برای صلح نامید که پیامد آن کمک به تقویت ثبات و امنیت در سراسر جهان. است. ترامپ با اطمینان داشت اطمینان پیدا کرده است که پیونگ یانگ تلاش دارد تا گام مثبتی برای برد این کشور بردارد. ترامپ هدف اصلی دیدار را غیرتأیید ساختن کامل و بدون بازگشت پیونگ یانگ و تغییر مقرراتی در نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای ای پیونگ یانگ عنوان کرد. این درحالی است که مقامهای کره شمالی نیز این امر مربوط به داده‌هایی است و ثبات حکومت خود تاکید می کنند. خبرگزاری روسی اسپوتنیک، تمرکز اصلی دیدار رهبران آمریکا و کره شمالی را راه اندازی دوره جدیدی از روابط میان دو کشور و بررسی خلع سلاح هسته ای در شبه جزیره کره عنوان کرد.

تفاوت‌های خاورمیانه و شبه‌جزیره کره برخی رسانه‌ها و تحلیلگران درغرب به ارزیابی و مقایسه نوع تعامل کارکنان حاکم کره‌شمالی می پردازند و آن را یک شبه‌جزیره که موضوع برگ یکدیگر سخن می گویند، این در حالی است که مایک پومپئو، وزیر امور خارجه ایالات متحده اظهار داشت، واقعیت این است که رهبران دو کشور با جدیت بر سر مرز مذاکره می نشینند. الگوی دیپلماتیکی که در گفت وگوها به کار گرفته خواهد شد

آک‌هی شرکت در مناقصه عمومی یک مر حله ای مناقصه شماره ۹/ک/۹۷نوبت اول
شرکت مهندسی جم صنعت کاران تهران (از شرکت های زیرمجموعه پتروشیمی جم)، فعال در پروژه های نفت، گاز و پتروشیمی در نظر دارد انجام خدمات ذیل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مر حله ای، با شرایط زیر به پیمانکار و شر کتهای ذیصلاح واگذار نماید:
شرح پروژه: اجرای کلیه عملیات و خدمات مرتبط با تعمیر، سرویس و نگهداری کولرهای واحدهای مسکونی شهرک ها و مجتمع های مسکونی شرکت پتروشیمی جم

شرایط عمومی مناقصه گر:
۱- تجربه کافی و مرتبط با موضوع مناقصه را داشته باشد.
۲- توانایی ارائه ضمانت نامه شرکت در فرایندراجباعت کار به مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال (یکصد و پنجاه میلیون) ریال
۳- ارائه اسامته شرکت و آخرین آگهی تغییرات مندرج در روزنامه رسمی **توجه در فرایند اسناد:**
از کلیه اشخاص حقوقی واجد شرایط دعوت می گردد تا تاریخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۳ حداکثر تا آخر وقت اداری مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۵ جهت دریافت اسناد و واریز به همراه اصل فیش واریزی می مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال (دو میلیون ریال) واریز به حساب بانکی شماره ۱۳۸۸۸۸۸۸۲۶۳۱۱ نزد بانک تجارت تهران پتروشیمی جم، به نام شرکت مهندسی جم صنعت کاران تهران بابت خرید مناقصه به یکی از آدرس ذیل مراجعه نمایند:

شماره اسناد/استعلام	موضوع	هزینه خرید (ریال ستادار)	مبلغ تضمین (ریال)	نوع تضمین
۹۷/ک/۸۶	مناقصه عمومی یک مرحله ای تأمین مصالح و ملزومات و اجرای عملیات حدود ۲۰۰۰۰ مترمکعب داربست بندی مورد نیاز تعمیرات اساسی	۲۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰	تضمین
۹۷/ک/۸۷	مناقصه عمومی یک مرحله ای اجرای عملیات رنگ آمیزی ، عایق و رفکارزی صنعتی مورد نیاز تعمیرات اساسی	۳۰۰۰۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰۰۰	ضمانت نامه شرکت در فرایند اسناد
۹۷/ک/۸۸	مناقصه عمومی یک مرحله ای اجرای تعمیرات اساسی بر روی Spiral Double pipe&Shell و tube میل های	۳۰۰۰۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰۰۰	شرکت در فرایند اسناد
۹۷/ک/۸۹	مناقصه عمومی یک مرحله ای برپایی پانچ pneumatic shop و v sale shop کنترل valve و تعمیرات اساسی، تست و کالیبراسیون فهرستی از	۳۰۰۰۰۰۰۰	۶۰۰۰۰۰۰۰	شرکت در فرایند اسناد
۹۷-۱۱-JSK	استعلام برای اجرای عملیات لوله کشی گازولایزه مورد نیاز تعمیرات اساسی	-	۳۰۰۰۰۰۰۰	چک شرکتی
۹۷-۱۱-JSK	استعلام برای اجرای عملیات شخامت ستیج خطوط لوله مورد نیاز تعمیرات اساسی	-	۳۰۰۰۰۰۰۰	چک شرکتی

۱- شرایط عمومی مناقصه گر:
۱- داشتن سابقه کار مشابه طی ۵ سال گذشته
۲- توان ۲-ت تضمین مورد نظر کارفرما
۳- ارائه اسامته شرکت و آخرین آگهی تغییرات مندرج در روزنامه رسمی **توجه دریافت اسناد:**
از کلیه اشخاص حقوقی واجد شرایط دعوت می گردد تا تاریخ ۱۳۹۷/۰۴/۱۹ حداکثر تا آخر وقت اداری مورخ۱۳۹۷/۰۴/۲۵ جهت دریافت اسناد ومارک ها، به همراه اصل فیش واریزی به مبلغ مذکور واریز به حساب بانکی شماره ۱۳۸۸۸۸۸۸۲۶۳۱۱ نزد بانک تجارت تهران پتروشیمی جم، به نام شرکت مهندسی جم صنعت کاران تهران بابت دریافت مناقصه به یکی از آدرس ذیل مراجعه نمایند:
۱-عسلویه- مجتمع پتروشیمی جم-ساختمان فنی- امور پیمانهای شرکت جم صنعت کاران تهران- ۳ کارخان تانویلر- خیابان نظامی گنجوی- پلاک ۲۷ طبقه اول- شرکت جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

روابط عمومی شرکت مهندس جم صنعت کاران تهران

فرهنگ

چهارشنبه ۲۰ تیر ۱۳۹۷ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / سال نود و سوم - شماره ۲۷۰۴۶



تجدید حیات آلمان، به روایت
پروفسور ارهاد
سخنرانی در دانشکده ادبیات



تحقیقی از
دکتر محمدحسن ابریشمی
آداب پذیرایی در ایران

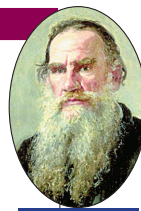


به مناسبت درگذشت
عبدالحسین پاکروح
یکی از هزاران



در کوچه باغ اندیشه
مرکز مرکز جهان

آموزه



تولستوی

بشر تازمانی که زندگی را
«مقدس» نداند و به هموعان
خود به چشم «برادر» نگاه
نکند، زندگی دیگران را تباه
خواهد کرد.

قلم انداز

رسانه‌ها در اقلیم ذهن

یک ذهن نمی‌تواند همه خبرها را در خود جمع کند و نسبت به آنها احساسی پیدا نکند و واکنشی نشان ندهد. سیستم روانی انسان که با محوریت ذهن سامان می‌گیرد، در برابر آنچه می‌شنود و می‌بیند و می‌اندیشد، موضع و عکس‌العمل‌های گوناگونی از خود نشان می‌دهد که گاه خودآگاه و بسیاری وقت‌ها ناخودآگاه است، در درازمدت موجب شکل‌گیری نوعی از حالت و در نهایت موجب پدید آمدن گونه‌ای از شخصیت در انسان می‌شود.

بدین ترتیب، رسانه‌ها در ایجاد و شکل‌گیری ما نقشی جدی برعهده می‌گیرند و سهمی بارز دارند. اگر حجم بسیار زیاد و ورودی‌ها و خروجی‌های رسانه‌های دیداری و شنیداری را در نظر بیاورید و سپس پیامدهای این اندازه پیام اصلی و فرعی رسانه‌ای را مجسم کنید، خواهید دید که ذهن نمی‌تواند در برابر آن استقلال خویش را حفظ کند. واقع این است که ذهن از یک سو نمی‌تواند در چرخه‌های خویش را نسبت به آنچه رسانه و رهاورد رسانه است، ببندد و از سوی دیگر نمی‌تواند از بودن در معرض آنها و شنیدن و دیدن واقعیت‌های آن بی‌تفاوت باشد. اگر به این فرایند اختلاف خبرها و گونه‌گونی آنها و بخصوص جنبه‌های ناخواسسته و منفی و ناامیدکننده را هم، اضافه کنید، این نتیجه برجای خواهد ماند که: ذهن جدید، مقهور و اسیر رسانه‌هاست و جهان جدید ساخته همین ذهن است.

رسانه‌ها اقلیم ذهن‌ها را به صورت گوناگون به تصرف خود در آورده‌اند و هر روز آن را به شکل دیگر در می‌آورند و ذهن، بی‌اختیار و به تدریج دچار حالت‌هایی ناشناخته می‌شود که پایان آن ناتوانی و مشکلات متعدد است. حقیقت این است که ذهن در عصر دیجیتال و در فرایند دیجیتالیزم سرگذشت حیرت‌آوری دارد. باید به این سرگذشت اندیشید و نسبت به روایت آن اقدام کرد که در نوشته‌های بعدی این ستون به «روایت ذهن» خواهیم پرداخت.

می‌دانیم که روایت یکی از شیوه‌های شناخت و شناسایی است. این موضوع را می‌توان درباره همه انواع و اقسام روایت صادق دانست، چرا که هر روایتی، راوی واقعی است که با قرار گرفتن در کنار روایت‌ها، واقعیت را رقم می‌زند و مجموعه‌ای از علم و آگاهی را ارزانی می‌دارد. از سوی دیگر، هر روایتی اختصاصات و ویژگی‌های خود را دارد و از این جهت، با نمونه‌های روایتی دیگر متمایز می‌شود. شاید بتوان از وجود فضایی خاص و حضور عالمی متفاوت در هر روایتی یاد کرد. به عنوان مثال، روایت‌های حاوی توصیف محض، غیر از روایتی است که تحلیلی‌اند. هم‌چنین فرق است میان روایات خوشبینانه و بدبینانه. از همین جاست که می‌توان از تقسیم‌بندی‌هایی چون روایات قبضی و بسطی سخن گفت و از روایات سرد و گرم دفاع کرد. اگر تأمل روایات را، خواهیم دید که هر روایتی، در بردارنده حقیقتی است که با خود همراه می‌آورد و به متن واقعیت‌ها اضافه می‌کند.

اما در بحث دراز دامن روایت، موضوع‌های مختلفی وجود دارد که مغفول مانده است. کم نیستند کسانی که هنوز درباره ماهیت روایت پرسش دارند و درباره آن به نتیجه‌ای روشن و تعریفی واضح و متقن دست پیدا نکرده‌اند.

لئودویگ ویتگنشتاین و پژوهش‌های فلسفی



لئودویگ ویتگنشتاین نمی‌خواست دیگران را از زحمت خوداندیشی معاف دارد. غرض او در کتاب پژوهش‌های فلسفی این بود که به جای آن‌که اندیشه‌هایی بسته‌بندی شده برای مصرف راحت و بی‌دردسر به خوانندگاناش تحویل دهد، ایشان را سرشوق آورد تا خود در وادی تفکر سیر کنند و اندیشه‌هایی از آن خویش داشته باشند. این معنا در سبک نگارش کتاب هم بازتاب پیدا کرده است: نوشته‌هایی قطعه‌قطعه و غیرمستقیم و ابهام‌آمیز که نویسنده آن‌ها از شاخه‌ای به شاخه دیگر می‌پرد و دوباره به موضوع اول بازمی‌گردد. جواب‌هایی که او به مسائل فلسفی می‌دهد جواب‌هایی سراسر است و صریح نیستند، بلکه از طریق مثال‌ها و روایت‌هایی به آن‌ها اشاره رفته است. ویتگنشتاین سرشته‌هایی به دست می‌دهد، ولی معانی ضمنی آن‌ها را معمولاً شرح نمی‌کند؛ در کتاب مجازها و استعاره‌های فراوانی پیدا می‌شود، ولی تجزیه و تحلیل آن‌ها به خواننده واگذار شده است. ویتگنشتاین به جای فصل‌بندی کتابش آن را به صورت قسمت‌های شماره‌دار کوتاه تدوین کرده است. ساختاری که پژوهش‌های فلسفی به خود گرفته به کلی انتخاب ویتگنشتاین نبوده است: کتاب در سال ۱۹۵۳، یعنی دو سال بعد از مرگ ویتگنشتاین، به طبع رسید، آن

روایت استاد اکبر ثبوت از میرزا محمدتقی آملی/پایانی ماجرای کتاب «جامع البین»

استفاده از اموال و امکانات عمومی.
(ب) ایجاد تضییقات برای مخالفان و وارد کردن فشار برایشان.

*

یک بار آیت‌الله طالقانی، از شاگردان نخستین ادوار تدریس استاد آملی، به دیدار ایشان آمده بود؛ استاد که نگاه خوش‌بینانه طالقانی به اصل جنبش مشروطه را تخطئه می‌کرد، این پرسش آمیخته به اعتراض را پیش کشید که: چرا پیشوایان مشروطه، به جای مشروطه، از طرح «حکومت مشروطه» که شیخ نوری عرضه می‌داشت، حمایت نکردند؟ طالقانی پاسخ داد به دو دلیل: اول اینکه آنان معتقد بودند تشکیل حکومت مشروطه و اسلامی حقیقی و کماهو حقه، جز به وسیله معصوم ممکن نیست؛ و به وسیله هر فرد غیر معصوم که تشکیل شود، کاستی‌ها و خلاف شرع‌های بسیاری در آن راه خواهد یافت که موجب بدنامی اسلام خواهد بود.

ثانیاً شما بروید و تمام بیانی‌ها و گفته‌هایی را که از شیخ نوری در دست است، با دقت بخوانید و ببینید او در ضمن اصرار بر تشکیل حکومت مشروطه، از چه حاکمی دفاع می‌کند و در بیانیه‌اش خطاب به چه کسی «الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع» می‌نویسد؟ «جز محمدعلی شاه؟ آنگاه سفاکی‌ها و تبهکاری‌های این شاه را در نظر بگیرید و بگویند چگونه می‌توان حکومتی را که او در رأس آن بوده، مشروطه و اسلامی دانست و تحت این عنوان از آن حمایت کرد؟! و

ادامه در صفحات ۴ و ۵

جالب آنکه در مقاله‌ای در ص ۲۵ از شماره مخصوص جمهوری اسلامی از نشریه «مکتب اسلام» که قدیمی‌ترین مجله منتشره از حوزه علمیه قم و مورد تأیید قاطبه مراجع دینی و صاحب امتیاز آن یکی از مراجع کنونی بود، می‌خوانیم: اسلام خونپهای دمی را با مسلمان برابر دانسته است: و جعل علی (ع) دیه‌النصرانی کدیه‌المسلم.

باری، به نظر می‌رسد که با توجه به آنچه در باب ضرورت ملاحظه افکار عمومی گفته آمد، لازم است بسیاری از قوانین و احکام و برنامه‌های مامور تجدیدنظر قرار گیرد. و پیش از آنکه ناگزیر شویم تا تأخیر بسیار و آن هم زیر فشارهای خارجی به دگرگونی‌های لازم تن دردهیم و پیامدهای ناگوار بیشتری را تحمل کنیم، با گشودن باب اجتهاد به معنی حقیقی، و دست‌کم با استمداد از نظریات فقهیاتی که نظریات‌شان با شرایط زمانه سازگارتر است، اسلام را در چهره‌ای نشان دهیم که مقبول خردمندان و صاحبان وجدان‌های سالم باشد.

در گفتاری دیگر نیز به توضیح پاره‌ای از مواردی پرداخته‌ام که امام علی (ع) - با همه پافشاری در مراعات افکار عمومی - حاضر نشد رأی و نظر دیگران را بپذیرد؛ و حتی برای تحکیم پایه‌های حکومت حقه اسلامی خود، موافقت با خواسته دیگران در آن دو مورد را جایز ندانست و از همین برخوردار امام (ع) می‌توان دریافت که در نظر او، ضعیف و سرنگون شدن حکومت حق، بهتر از آن است که برای تحکیم آن از این شیوه‌ها استفاده شود:

(الف) تبعیض قائل شدن و فرق گذاشتن میان مردم در

ویتگنشتاین در پژوهش‌های فلسفی خود را در نقش کسی می‌داند که مگس را از بطری مگس گیر رها می‌سازد. مراد او این است که فیلسوفان با تلاش‌هایی که مبذول داشته‌اند تا کاری کنند که زبان کاری را انجام دهد که از آن ساخته نیست خودشان با پای خودشان در تله می‌افتند. زبان ایشان را مفتون کرده است. آن طور که خودش می‌گوید: «مسائل فلسفی وقتی رخ می‌نمایند که زبان به مرخصی می‌رود» (قسمت ۳۸). به عبارت دیگر، مسائل فلسفی از کاربرد کلمات در سیاقی نامناسب ناشی می‌شوند.

هدف رویکرد ویتگنشتاین این است که با عطف توجه به کاربرد بالفعل زبان و بدین قرار با رها ساختن مگس از داخل بطری مگس گیر، این قبیل مسائل فلسفی را [به جای حل و فصل] منجمل کند. بنابراین، رویکرد فلسفی او را غالباً رویکردی درمانی توصیف می‌کنند: فلسفه بیماری‌ای است که باید برای آن علاجی پیدا کرد. فلسفه «ناهمواری‌هایی» را که فهم از مواجه شدن با حدود و ثغور زبان به آن‌ها دچار می‌شود» (قسمت ۱۱۹) بررسی می‌کند. راه علاج این بیماری آن است که ببینیم عملکرد بالفعل زبان چگونه است، نه این که به رغم ما چگونه باید باشد. ولی تحلیل ویتگنشتاین درخصوص کاربردهای بالفعل زبان کاری در عرصه انسان‌شناسی اجتماعی نیست. او با تعیین و ترسیم پاره‌ای از نحوه‌های کاربرد زبان، ما را به حدود و ثغور تفکر و معناداری توجه می‌دهد. بخش عظیمی از این کار متضمن کنار نهادن نظریه‌هایی گمراه‌کننده در باب ماهیت زبان بود. دلیل دیگر ویتگنشتاین برای عطف توجه به کاربردهای بالفعل زبان از این باور او برمی‌خاست که نظریه‌پردازی در مقیاس وسیع، گمراه‌کننده است بدین لحاظ که بر فرضی نادرست مبتنی است و آن این‌که می‌توانیم ذات موضوعی را که مورد پژوهش ماست دریابیم.

معنا به مثابه کاربرد

بخش مهمی از پژوهش‌های فلسفی به رد و انکار آن چیزی می‌پردازد که به زعم ویتگنشتاین توصیفی ساده‌انگارانه از ماهیت زبان است. او توصیف آگوستین قدیس را در باب زبان‌آموزی از راه اشاره به چیزها و نامیدن آن‌ها، به عنوان نماینده این دیدگاه در نظر می‌آورد. قائلان به این دیدگاه آگوستینی درباره زبان، عقیده دارند که کلمات نام‌های چیزهایند، و ترکیب‌های کلمات نقش منحصر به فرد توصیف واقعیت را داراست.

از این منظر که نگاه کنیم، مثلاً برای آموختن معنای کلمه «سیب» به کودکی یک دانه سیب می‌دهیم و می‌گوییم: «این سیب است». این را آموزش از راه تعریف اشاره‌ای می‌نامند: اشاره کردن به چیزی که نامیده می‌شود. ویتگنشتاین منکر این مطلب نیست که تعریف اشاره‌ای به مقصود راه می‌برد، بلکه ما را به اشکالاتی توجه می‌دهد که در قول به این‌که تعریف اشاره‌ای اس و اساس زبان‌آموزی است وجود دارد. مثلاً تعریف اشاره‌ای به مقداری زمینه‌چینی و صحنه‌پردازی نیاز دارد. ممکن است کودک رسم اشاره کردن به چیزی را درک نکند، یا چه بسا تصور کند که شما دارید به رنگ یا شکل سیب اشاره می‌کنید. هر تعریف اشاره‌ای راه را برای تفسیرهای گوناگون از چیزی که

بر آن انگشت نهاده شده است باز می‌گذارد. به علاوه، حتی اگر کودک این مورد خاص تعریف اشاره‌ای را بفهمد، شاید قادر نباشد که از این مورد به موارد مشابه گذر کند.

زبان صرفاً وسیله‌ای نیست که برای بازنمایی جهان به کار می‌گیریم. بلکه بیش‌تر شبیه جعبه ابزاری است حاوی مجموعه

لایه‌های پیچیده ویتگنشتاین و

پژوهش‌های فلسفی



عکس: پی. پالته آر ویتگنشتاین

خصوصیه مشترکی که فعالیت مورد بحث در آن با سایر بازی‌ها شریک است اشاره داریم. ویتگنشتاین این رأی را باطل می‌داند. خطاست که فرض کنیم همه بازی‌ها لزوماً ذاتی مشترک دارند به همان اندازه که دور از صواب است فرض را بر این بگذاریم که همه کاربردهای زبان لزوماً دارای وجه مشترکی هستند.

دفاعی که ویتگنشتاین از این دیدگاه اقامه می‌کند مبتنی بر قیاس با شباهت‌های خانوادگی است. خویشاوندان نسبی غالباً به یکدیگر شبیهند. ولی این مطلب حاکی از آن نیست که همه اعضای خانواده یک یا چند خصوصیه مشترک دارند: معمول این است که روندی از شباهت‌های متداخل در کار است نه یک ویژگی مشترک که در همه آن‌ها یافت شود. ممکن است شما به لحاظ رنگ موهایتان شبیه خواهر خود و به لحاظ رنگ چشم‌هایتان شبیه مادر خود باشید. امکان دارد شکل بینی خواهر و مادر شما شبیه یکدیگر باشد. در این مثال ساده یک ویژگی منفرد وجود ندارد که همه سه عضو خانواده در آن اشتراک داشته باشند، ولی این امر مانع از آن نمی‌شود که آن‌ها از شباهت خانوادگی مشهودی بهره‌مند باشند. به همین ترتیب، ذات مشترکی در همه چیزهایی که آن‌ها را «بازی» می‌نامیم وجود ندارد: بازی‌های صفحه‌دار، فوتبال، بازی سولیتر، زدن تویی به دیوار و نظایر آن. ولی با این حال می‌توانیم کلمه «بازی» را به طرز معناداری استعمال کنیم. ویتگنشتاین از عبارت «شباهت خانوادگی» برای اشاره به این قسم شباهت متداخل و متقاطع استفاده می‌کند.

استدلال ناظر به زبان خصوصی

آن بخش از پژوهش‌های فلسفی که به

مراتب بیش از سایر بخش‌ها اثرگذار بوده است مجموعه‌ای از آرا و مثال‌هایی است که به «استدلال ناظر به زبان خصوصی» معروف است، هر چند هنوز بر سر این که منظور دقیق ویتگنشتاین از آن‌ها چیست بحث و جدل‌هایی وجود دارد. شایسته است این مطلب را به خاطر بسپاریم که ویتگنشتاین عبارت «استدلال ناظر به زبان خصوصی» را به کار نبرده است، و تنها مفسران او بوده‌اند که پیشنهاد کرده‌اند رشته‌ای از آرای او باید در مجموع به صورت یک استدلال مرکب تعبیر و تفسیر کرد. با وجود این، به نظر معقول نمی‌آید که اندیشه‌های او را به این شیوه کنار هم در دسته‌ای جای دهیم و از توالی آن‌ها استدلالی بیرون بکشیم. برای آن‌که قدم اول را در راه فهم این استدلال برداریم، لازم است بدانیم که ویتگنشتاین چه چیز را آماج حمله قرار می‌داد.

غالب فلاسفه از روزگار دکارت به این سوی پنداشته‌اند که پژوهش راستین و سزاوار ماهیت ذهن را باید از بررسی وضع اول شخص، یعنی از تجربه خود فرد، آغاز کرد. به طور مثال، من در مقایسه با شما به [واقعیت] دردی که می‌کشم یقین بیش‌تری دارم. من نوعی دسترسی انحصاری به محتویات ذهن خود دارم که دامنه آن محتویات ذهن شما را شامل نمی‌شود. مثل این است که به سینمایی خصوصی که در آن افکار و احساسات من بر پرده نمایش ظاهر می‌شود دسترسی منحصر به‌فردی دارم؛ هیچ فرد دیگری از آنچه در سینمای خصوصی من اتفاق می‌افتد خبر ندارد. تجربه من مخصوص من است و تجربه شما مخصوص شما. هیچ‌کس واقعاً از درد یا اندیشه‌های من خبر ندارد. من می‌توانم تجربه باطنی‌ام را برای خودم توصیف کنم؛ و هیچ‌کس دیگری نمی‌تواند حکم دهد که آیا توصیف‌های من قرین صواب است یا نه.

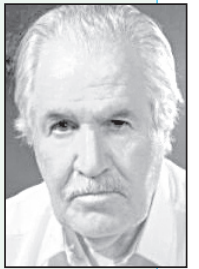
استدلال ناظر به زبان خصوصی ویتگنشتاین، براندازنده بنیاد دیدگاهی است که شالوده این اندیشه را تشکیل می‌دهد که دیگران اساساً نمی‌توانند به افکار و احساسات من دسترسی پیدا کنند. این اندیشه مبتنی است بر اعتقاد به این که زبان خصوصی امکان وجود دارد. ویتگنشتاین نشان می‌دهد که وجود چنین زبانی خلاف ممکنات است. منظور او از «زبان خصوصی» نه مجموعه‌ای از رمزهای خصوصی است و نه زبانی که تنها یک نفر آن را تکلم می‌کند - زبانی از آن دست که مثلاً فردی مثل رابینسون کروزوئه می‌تواند آن را ابداع کند تا با آن درباره زندگی‌اش در جزیره‌ای دور افتاده با خودش حرف بزند. بلکه، به زعم ویتگنشتاین، زبان خصوصی زبانی است که علی‌الاصول نمی‌توان در آن مشارکت جست زیرا این زبان برای اشاره به تجارب فرد به کار می‌رود که ادعا شده است خصوصی هستند.

آن‌که وجود زبان خصوصی را امکان‌پذیر می‌داند ممکن است در مقام استدلال بگوید باب این امکان به روی من مفتوح است که تأثرات احساسی خودم را در قالب یادداشت‌های روزانه به‌طور مرتب ثبت کنم. من احساس خاصی دارم که تصمیم می‌گیرم آن را «س» بنامم. در دفتر یادداشت‌های روزانه‌ام حرف «س» را می‌نویسم. بار دیگری هم که آن احساس به من دست می‌دهد «س» دیگری را در دفترم یادداشت می‌کنم، و باز هم به همین ترتیب.

ادامه دارد



یاد



دکتر سیروس برادران شکوهی

برای منور و معطر ساختن این نوشته نام عدهٔ قلیلی از کثیری از آن بزرگواران را یاد می‌کنم. خانم‌ها:

نادره امینی، تقی زاده، مولوی، نجیبه سیف‌الدینی، نادره زرین قره تبریزی، حبیبه عیسی بیگلر، ایران غفوری، عصمت رضایی، طاهره پاک‌نیا، ثریا دبیری، زرین تاج شاه‌گل، طاهره شرکت، زرین تاج لک‌دیزجی، حمیده کلانتری، روح‌انگیز افخمی، فرنگیس فهیم آذر، کامله برادران، تاج ابراهیمی. آقایان: علی دهقان، رحمت‌الله کلانتری، اسماعیل دیباج، جلیل مرتاض، عباس دیهیمی، غلامرضا سراج‌میر، علی اصغر دربندی، حسین تهامی، دکتر محمدعلی نوری خالیدی، نصرالله دیهیمی، عبدالعلی سیاوشی، اسدالله میرزا آقاسی، اسماعیل شایان، حسینقلی رامیار، اصغر رامیار، علیرزاده افشار، برادران، تقی و نقی میرفخرایی، صحتی، محمد علیایی، حسن محمد خانیلو، ابوالحسن دیانت، علینقی صدراشرفی، میرزا علی آقا سلطان القرائی، منصوری آذر، سید حسینی، هاشم فرهنگ، نصرت‌الله دانشور، بیت‌الله جمالی، کاظم صمدی راد، عزیز دولت‌آبادی، دکتر احمد کوپاهی، علی طائی، حاج مصطفی شعار، حسن بشارت، حسین امید، مهندس جواد فلاحتی، جواد حق ناجی، طهماسب دولت‌شاهی، کریم امامی، حسن اصولی، علی اشرف حیات روحی، رسول عطایی، نجات، لطفعلی ریاحی، محمود اصفهانی‌زاده، دکتر غلامحسین کشاورز، جواد اقتصادخواه، محسن هجیری، سیداسماعیل شیرکوبی، عبدالعلی کارنگ، گنجویان، اصغر کوشافر، حسین فیوضات، رضا امین سبحانی، ی‌الله فرید مهاجر و...

این همه به مثابه دانشگاه معظمی بود با ده‌ها دانشکده و هر دانشکده با ده‌ها گروه علمی و آموزشی، شما میرزا علی آقا سلطان القرائی را تنها یک دبیر اداره فرهنگ و آموزش و پرورش بعدی تصور نکنید. حضرت استادی من دانشکدهٔ بنامی بودند شامل گروه‌های زبان عربی، قرآن، تجوید، تفسیر، فقه، اصول، تاریخ، ادبیات فارسی، الهیات، جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی، جغرافیای تاریخی، شعر، فلسفه، هیأت و نجوم؛ چنین بودند هر یک از این بزرگان در رشته و ساحت خویش چون دکتر محمود نوالی، هاشم فراتاش، غلامحسین فرنود، رحیم رئیس‌نیا، سیداحمد قایم مقامی، دکتر جعفر شعار، علی‌اکبر شعارنژاد، و باز چنین بودند شادروان جناب فتح‌الله فضل‌اللهی ریاست فرهنگ ارونق و انزاب، سال‌هایی که من آموزگار و دبیر و راهنمای تعلیماتی آن بخش بودم.

وقت و بی‌وقت صبح و شام ناگهان و بدون اطلاع قبلی سواری جیب آقای رئیس دم دبستان دولتی پسرانه امیرکبیر، خوشگو، دبیرستان گلشن راز توقف می‌کرد. کلاه شاپو به دست، با صلابت و متانت پیاده می‌شد و از همان لحظه ورود به مدرسه با حسن مسئولیت و باایمان و اعتقاد تمام در راستای پیشرفت مدرسه و امید به آیندهٔ روشن شاگردان، پرس‌وجو می‌کرد، دید و بازدید می‌نمود، به کلاس‌ها سر می‌زد چقدر جدی، چقدر کاری، چقدر سنگین.

به جرئت می‌نویسم و پای نوشته‌ام هستم اغلب فرهنگیان که با شادروان فضل‌اللهی همکار بودند و همکاری کردند تحت‌تأثیر مدیریت

شایسته و بایسته ایشان قرار گرفتند و هر یک از آنان که آن سال‌ها جوانانی بیش نبودند: بعدها مدیرانی مجرب و مدبر و کارآزموده و موفق از آب درآمدند. چرا که او خود، مردی خود ساخته بود و مدیران شایسته نیز به جامعه تحویل داد، و چنان بود در عالم دوستی و رفاقت. سال‌های بعد که من از ترکیه بازگشتم و

موضوع می‌کردم و زمیسن و زمان را به هم می‌دوختم و از ظلم و ستم و بی‌توجهی و بی‌اعتنایی و حق‌کشی رفته بر خود سخن سر می‌دادم و وقتش را می‌گرفتم، چایش را می‌خوردم و مسلسل وار تا حد تهدید می‌رفتم و محکم صحبت می‌کردم! جوانی بود و... با روح پاکش آرام و دم فروبسته، در سکون محض

به مثاسبت در گذشت عبدالعزیز پاک‌روح/۲

یکی از هزاران



در دانشگاه مشغول تدریس شدم با بسیاری از مدیران سابق همکار و دوست شدم. هرگز دوستی حضرت استاد جناب جلیل مرتاض و فضل‌اللهی را نمی‌توانم فراموش کنم. صفا و وفایی که در عالم دوستی از این بزرگان دیدم به قول سعدی علیه الرحمه: داستانی است که بر هر سر بازاری هست * دریغ از این بزرگان از دست رفته، دریغ از فرهنگ این مرز و بوم.

چون زنده‌یاد علی دهقان از تبریز رفتند، جمع یاران او هم پراکنده شدند و جناب فضل‌اللهی از ارونق و انزاب به تهران انتقال یافت. من ماندم و ده‌ها امثال چون من، به قول ابوالفضل بهیقی، ماهی را ما نستیم از آب بیرون افتاده و در خشکی مانده، صدها و هزاران کار اداری و آموزشی و فرهنگی از مدار و اصول قانونی خارج شد و بی‌اصولی و بی‌قانونی و بی‌قاعدگی‌ها آغازید از جمله، منی که بایستی بعد از پنج سال خدمت آموزگاری در بخش و روستاها به مرکز و مولد خود باز می‌گشتم سرانجام بعد از ۹ سال علیرغم میل باطنی خود به تهران انتقال دادم.

از سال پنجم به بعد من بودم و مدیران و رؤسای فرهنگ بخش و استان در راستای تقاضای انتقال با رؤسای بخش و شهرستان و استان رفت و آمد و دیدار و برخورد داشتم، تقاضاها و استغاثه‌ها! می‌کردم. اما آنچه به جایی نمی‌رسید فریاد بود. در این رفت و آمد و توسل به این و آن و دیدار مسئولان بود که با رئیس ادارهٔ تربیت معلم و دبیرخانه استان، مرحوم عبدالعزیز پاک‌روح مواجه و کم‌کم آشنا و بالاخره به حضور پاکش ارادت پیدا کردم.

طی سال‌ها، گاهی تند و تیز، گه‌گاهی دلخسته و شکسته، زمانی گداخته و آتشین، بارهای بار به حضورش می‌رسیدم و طرح

گوش فرا می‌داد، با کارگزینی تماس می‌گرفت و لیست انتقال معلمان را می‌خواست و پشت تلفن دقایقی با مرحومان روزبه و کمالی، رؤسای وقت کارگزینی و آقای خوشباف و معلمی، کارمندان آن قسمت، صحبت می‌کرد و به پرونده و طول خدمت من در خارج از مرکز، اشاره می‌کرد و نهایت اینکه اگر موافقت فرهنگ بخش را بیاورد شما اقدام خواهید کرد؟

تلفن را با رضایت خاطر قطع می‌کرد و شروع می‌کرد به یادداشت نوشتن به رئیس فرهنگ بخش و البته سرانجام، طبق مقررات انتظار بذل توجه درباره حامل نامه را داشت و با نهایت ساده‌اندیشی و خوش‌باوری، نامه و نامه‌ها را می‌گرفتم و با چه امیدی راهی بخش می‌شدم اینجا هم بعد از بحث و جدل بالاخره ریاست دفتر را مجاب می‌ساختم که نامه را مستقیماً خدمت ریاست تقدیم کنم.

ریاست محترم به محض اینکه چشمانش به من و نامه در دستم می‌افتاد با کم حوصلگی نامه را می‌گرفتند. و ضمن مطالعه از دوران و چرخش سر و گردنش سرانجام نظرش را متوجه می‌شدم که: به جای اقدام مستقیم، کارشان شده یادداشت و حواله دادن، چرا رأساً اقدام نمی‌کنند؟ معلوم نیست، می‌دانند که بخش با چندین نفر کسری آموزگار دست به گریبان است تازه وقت نقل و انتقال گذشته، زنگ می‌زد و رئیس کارگزینی را می‌خواست مشخصات آقای شکوهی را جزو انتقالیون سال آینده درج کند و قید کند که به موقع اقدام شود. خدمت جناب پاک‌روح سلام برسانید و بگویید چشم، چشم. شادان و خندان خدمت جناب پاک‌روح می‌رسیدم. تنها برای رساندن سلام آقای رئیس! با همان متانت و نجابت و نوعی معصومیت. دل‌داری می‌داد و به صبر و

شکیبایی فرا می‌خواند و به امید سال آینده به محل خدمت باز می‌گشتم.

روز از نو، روزی از نو، هنوز خرداد نشده سر و کلام پشت پنجره و درب اتاق زنده یاد پاک‌روح نمایان می‌شد از رئیس دفتر و کارمندان کارگزینی می‌شنیدم گویا مدیر کل، تهران رفته و شاید هم باز نگردد و وضع نقل و انتقالات تا تعیین وضع و مشخص شدن مدیر کل جدید نامعلوم است. بلا تکلیف‌تر از استان، وضع فرهنگ بخش بود و آواره از همه، ده‌ها معلم روستا و دهات چون من بود که دستمان به جایی بند نبود و تا تعیین مدیر کل جدید و استقرار حضرت ایشان در مقر مدیریت کل علی‌العجلاله، به عهده جناب اسماعیل شایا است.

از فرهنگیان پاک‌باز و ماندگار و از راست‌قامتان مثال زدنی، نه تنها در آموزش و پرورش استان بلکه نام نامی‌اش در لوح خدمتگزاران صدیق و خدوم این مرز و بوم کالانش فی‌الحجر است و جاودان. از اینکه دیگر توصیه و پارتی و اعمال نفوذ و دستورات غیر اصولی و مافوق جاری نخواهد شد. خوشحال بودیم.

سال هفتم هم سپری شد. سال هشتم با تعویض مجدد رئیس فرهنگ بخش و مدیر کل استان و حتی حامی عزیز ما، هم به سر رسید! دیگر حتی کسی نبود که به ما اجازهٔ حضور و طرح مطلب دهد و نامه نویسد و تلفن کند و این مسئول و آن مسئول را ببیند چون تمامی درها را بسته و کسان شفیق و خلیق را از دست رفته دیدم، به خود دادم یک تکان، مثل رستم پهلوان، نعره‌ها کشیدم به قد بلند کفر و کارشکنی و عدم رعایت موازین قانونی توسط معاندین و مخالفین را از دایره اداره فرهنگ به بخش‌داری و استانداری و مقامات مرکز انتقال دادیم و ما آموزگاران محروم و مظلوم بخش، کنار هم آمدیم و یک دسته بیست نفری تشکیل دادیم و به اقدامات تند و حاد برخاستیم صداها بلند کردیم و راه‌ها طی نمودیم چنانکه در شهریور ماه، تقریباً همه ما آموزگاران را به نقاط دوردست منتقل کردند ابلاغ من هم تهران بود. و بار دیگر این اصل محقق شد به قول فروغ که: تنها صداست که می‌ماند.

راهی تهران شدم. در طی خدمت در تهران چندین مدیر دیدم از آن میان در دبیرستان «خامنه» تهران نو، مدیری داشتم «محمدی» نام. دبیرستانش در ناحیهٔ تهران نو، نمونه بود. عجب اینکه مدیر نمونه که انتخاب می‌شد نه سکهٔ پهلوی دریافت می‌کرد و نه در کنگره‌های مدیریتی حکومتی و فرمایشی آنچنانی شرکت می‌کرد اما حرفش، اول حرف ادارهٔ کل آموزش و پرورش تهران بود. او مدیر اولیا و مربیان و دانش‌آموزان بود نه دست‌نشانده محض مقامات اداری.

از ترکیه که باز آمدم. از تهران، دلزده و آزرده خاطر بودم. بار دیگر به یاد مدیران خویم بیت‌الله جمالی و دکتر حسن محمد خانلو و زنده یاد فتح‌الله فضل‌اللهی افتادم که دل در گرو لیاقت و کیاست و درایت‌شان داشتم آرزومند خدمت در دانشگاه تبریز بودم اگر نه در مؤسسه‌ای که چنان مدیرانی داشته باشد. «صمدی‌راد» همان مدیر بیست و دو سال قبل، حالیا به جای پاک‌روح رئیس تربیت معلم استان بود اما من فراموش شده بودم. همیشه در حسرت مدیران و تشکیلات و تاریخچهٔ دانشسرای مقدماتی پسران تبریز بودم. در حسرت روزی که می‌توانستم کادر آن سازمان باشم که آوازهٔ بلند بالایی داشت. ادامه دارد



بقیه‌از صفحه‌هاول
طاقانی مطالبی را به تفصیل از بیانیه‌ها و گفته‌های شیخ نوری در پشتیبانی از آن شاه و در شرح جنایات و سیاهکاری‌های او نقل کرد و پرسید: «آیا اطلاق عنوان شرعی و اسلامی به حکومت او، ظلم به اسلام و شرع مقدس نیست؟»
استاد گفتند: «فرضا که نظر او با تخطی از حد و مرز شرع و اخلاق دست به تبهکاری‌هایی زد که حضرت کرارا از آنها برائت جست. آنگاه آیا می‌توان کارهای خال را دلیل بر تخطئهٔ اصل حکومت رسول(ص) عالمی مثل شیخ نوری را به دلیل مخالفت با مشروطه اعلام می‌کردند؟ طاقانی گفت: اگر کسی از اصل حکومت رسول(ص) دفاع کرد، آیا به این معناست که همهٔ عملکردهای کارگزاران حضرت را تأیید می‌کند؟ مسلمانان عنوان از باب مثال، پیامبر (ص) خالبدین ولید را برابری مأموریتی فرستادو او با تخطی از حد و مرز شرع و اخلاق دست به تبهکاری‌هایی زد که حضرت کرارا از آنها برائت جست. آنگاه آیا می‌توان کارهای خال را دلیل بر تخطئهٔ اصل حکومت رسول(ص) گرفت؟ حالا اگر در جنبش مشروطه هم که در مشروعت، هرگز به حکومت رسول(ص) نمی‌رسد، کاری بر خلاف شرع روا ده، دلیل بر تخطئهٔ اصل آن جنبش نیست و ما هم با وجود دفع آن جنبش، هیچ‌گاه از آن کار مخالف شرع دفاع نمی‌کنیم و وقوع آن کار را هم دلیل بر تخطئهٔ اصل آن جنبش نمی‌دانیم؛ چنان‌که عموم پیشوایان اصلی مشروطه (روحانی و غیرو حانی) نیز نه تنها آن کار خلاف را تصویب نکردند، بلکه در جریان آن هم نبودند و ماجرا از این قرار بوده که پس از گذشت یک سال از انحلال مجلس و تخریب ساختن آن و تخریب خانه‌های مشروطه‌خواهان و قتل و شکنجه و حبس و تبعید نمایندگان، ماز و زور به‌رسان مشروطه،و آن‌همه غارتگری‌هاو تعطیل عدلیهٔ مشروطه‌خواهان که همهٔ اقدامات با تأیید شیخ نوری انجام گرفت، و به دنبال یک جنگ تمام عیار که حکومت محمدعلی‌شاه ساقط و خود او به سفارت روس پناهنده شد، در شرایطی که همه جا آشفتگی حاکم بود و نه مجلسی بود و نه عدلیایی، در محکمه‌ای که چند نظامی (و نه از سپاسیون و پیشوایان فکری) خودسرانه تشکیل دادند و یک معامله به سر دادستان و قاضی خودخواندهٔ آن بود، شیخ نوری محکوم به اعدام شد. آنگاه هر وقت انقلابی روی می‌دهد و جامعه زیر و رو می‌شود، پیش از آنکه نهادهای حکومتی مجدداً با بگردند، وقوع یک سدهاگرارهای خلاف به دست افراد خودسر امری طبیعی است و آن را به پای اصل انقلاب و رهبران آن نباید گذاشت. در برابر گفته‌های طاقانی، استاد آملی پاسخی ندادند؛ اما بعدها اندک اندک احساس می‌شد که در اعتقاد خود به لزوم تشکیل حکومت اسلامی در غیبت امام تجدیدنظر کرده و با تشکیل حکومت به این نام مخالفت می‌تاجی که هر گاه سخنان به ضرورت اقدام برای تشکیل آن به میان می‌آمد، می‌گفتند: «شما چند سلسل‌ان و لوب‌وز دم دروازه‌ن‌ه‌ر آن نگاه‌داشته‌اید که می‌خواهید حکومت اسلامی برپا کنید؟» و سخنانی مشابه این، که موجب شده استاد را از قفلهایی بشمارند که با تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت موافق نبوده‌اند؛ و البته اینها به معنی بی‌اعتنایی ایشان در برابر وضعیت موجود نبود و به عنوان نمونه: بیانیه‌ای که در دورهٔ نخست‌وزیری اسائه علم و در اعتراض به پارتی‌های عملکردهای حکومت صادر کردند، همچنین در ماجرای بازدهم خرداد۱۳۰۲، پس از بازداشت آیت‌الله خمینی که حکومت می‌خواست ایشان را محاکمه کند، استاد آملی یکی از چهار عالم بزرگی بود که در بیانیهٔ مستقلی، تصریح به مرجعیت ایشان کرد تا بابت محاکمهٔ ایشان شده‌شود، سه نفر دیگر نیز حضرات آیات: شریعتمداری، مبرای‌ی و مرعشی‌نجفی بودند.

البته آیت‌الله خمینیسی هم نهایت حرمت را به مقامات علمی و معنوی استاد آملی می‌نهاد و در سالهای اقامت در قم، در سفرهایش به تهران، غالباً به صورت فردی ناشناس، در نماز جماعت مردم آملی حاضر می‌شد و به ایشان اقتتای می‌کرد؛ و بر جردی – که خود نیز از علما بود، توصیه کرد که در تهران، از حضور در درس استاد آملی غافل نشود.

یادآوری

دکتر تندر کیا – در شرح احوال تجلیل آمیزی که از پدر بزرگ خود نوشته، آورده، این روایت از قول مدیر نظام نوایی – صاحب منصب کشیک نظامیه در روز اعدام شیخ نقل شده که هواخواه شیخ بوده و به همین علت گرفتاری‌هایی برایش پیش آمده است، و به دلیل دقت و صداقت راوی در ذکر جزئیات حوادث، و حضور او از آغاز تا انجام محاکمه، اعتبار آن از همه گزارش‌ها بیشتر است، به موجب روایت مزبور، اعضای دادگاه شیخ فقط شش نفر بودند: شیخ ابراهیم زنجانی، حاجی خان و بردارش پسران ابوالفتح خان صاحب‌منصبان قزاقخانه در مورد سه نفر دیگر هم می‌گوید: «آنها را نشناختم، غریبه بودند.» در پاسخ دکتر تندر کیانیز که گفته بود: «شمار اعضای دادگاه را بعضی‌ها بیشتر گفته‌اند و نوشته‌اند،» می‌گوید: «هر که گفته، بی‌خود گفته؛ فقط شش نفر بودند.»
تندر کیا نودهٔ شیخ نوری نیز با تأکید بر صحت آنچه از قول راوی خود نقل کرده، می‌افزاید: «راجع به هویت اعضای محکمه، دروغ زیاد گفته شده، هر کسی خواسته است سری توی سرها آورده، اظهار احبیه و اعلام کرده، خود را یا رفیقش را عوض آن محکمه معرفی کند!» (تندر کیا، صص ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴)

از گزارش موقت مدیر نظام به روشنی برمی‌آید که آنچه دربارهٔ عضویت کسانانی مانند سیدمحمد امام جمعهٔ مشروطه‌خواه، تقی‌زاده، حسینقلی نواب، وثوق‌الدوله، حکیم‌الملک، سردار محمد، علی محمدعلی خان تربیت و… به عنوان اعضای محکمهٔ شیخ نوری گفته‌اند، بی‌پایه است؛ زیرا تمامی نامبردار افراد معروفی بوده‌اند، و اگر در جریان محاکمه شیخ حضور داشتند، معقول نبود که راوی موقوت‌ترین گزارش دربارهٔ اعضای محکمه، از آنان به عنوان غریبه و ناشناس یاد کند. همچنین با کینه‌ای که و نیز تندر کیا به مخالفان شیخ نوری داشتند، محال بود که نام و نشان مسببان قتل او را پنهان کنند. دکتر تندر کیا با وجود مخالفت با مشروطه‌اوان، تصریح می‌کند که در فاصلهٔ دستگیری تا اعدام شیخ، شرایط به گونه‌ای بوده است که حتی نایب‌السلطنه وقت از اعدام شیخ بی‌خبر مانده، با اینکه وی از عقیده‌مندان شیخ و در عین حال مشروطه‌خواه بوده و از ثلث ماترک او مقداری از قروض شیخ را پرداخته‌اند، همچنین صدراعظم وقت سیدهار تکلانی، چنان از ماجرای اطلاع بوده که وقتی پس از اعدام ششیخ حکم اعدام او را برایش آوردند و آوردند،ش یک سید محمد بمم بود، تکلانی بر آشفته کن: این چه حرکاتی است؟» نیز به گفتهٔ دکتر تندر کیا، «پای در نظر داشت که بعضی از سران هیأت حاکمه وقت را تحت مراقبت مخصوصی قرار داده بودند تا اطلاع از قضیه پیدا نکنند.» (سر دار، صص ۱۳۲، ۱۵۱) از نخستین ماه‌های پس از اعدام شیخ نیز سران حکومت مشروطه، به هر گونی‌ای از او یاد می‌کردند که حاکی از احترام آنان به اوست، برای نمونه بگردید به اسناد رسمی دولتی با امضای کساننی همچون وثوق‌الدوله، محمدعلی‌خان علاء‌السلطنه، معاضدالسلطان و…

در ایامی هم که ششیخ در حضورت عبدالعظیم جمع کثیری را فراهمم آورده و از هیچ‌کدام قاضی در ضدت با مشروطه فروگذار نمی‌کرد، حتی برخی از روحانیان، خواهان برخورد‌های خشنسی با او بودند؛ ولی تقی‌زاده که از رهبران تئوروی مشروطه بود، صریحاً در مجلس اظهار داشت: اگر رأیان آن است که صد نفر قراق فرستاده‌شود او (شیخ) را تعزیر کنند و رأی می‌خواهید بگیری، من به آواز بلند می‌گویم که: من رأی ندارم و این کار را خیانت می‌دانم. (مکتوبات اعلامیهعل، فضل‌الله نوری، ج۲، صص ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱)

این مقدمات، همانچه‌را گفتیم تأیید می‌کند که طرح اعدام شیخ، به وسیلهٔ حکومت مشروطه و رهبران سیاسی آن اجرا نشده، بلکه عملی از ناحیهٔ سلاح به دست‌های خودسر و معروف به مجاهد بود که نظیر آن را در حوادث ۵۷ و ۵۸ نیز فراوان داریم.

این چند جمله را هم از یک روحانی دستست اندرکار انقلاب اسلامی بشنوید: ما که تجربهٔ دادگاه‌های انقلاب را داریم، خیلی نباید فهم فضای انقلابی برپایمان سخت باشد. تازه در ابتدای انقلاب، ملاحظات بسیاری مثل رعایت افکار عمومی و… وجود داشت که در آن زمان (مشروطه) اصلا مطرح نبود. افرادی چون طباطبائی و بهبهانی هم قدرت مقابله با موجی را که علیه شیخ فضل‌الله به وجود آمده بود، نداشتند و کاملاً متغلب بودند. کسی نمی‌توانست در مقابل این طوفان ایستد. در جریان انقلاب اسلامی افراد با دادگاه‌های آقای خالخالی مخالف بودند؛ اما جرأت نمی‌کردند که مخالفشان را برابر از کنند.»

پاسخ میرزای شیرازی به سید جمال الدین

استاد آملی – اعلی‌الله مقامه – حکایت کردند که استادشان آقا شیخ عبدلبنی نوری از شاگردان مرحوم میرزای شیرازی

می‌گفت: من یک بار برای مسفر به عراق، به دلایلی به جای مسیر غرب ایران، طریق استانبول را اختیار کردم. در آنجا در دیدار با سیدجمال‌الدین، سید مؤکنا از من خواست که وقتی

به سامره رفتم، در ملاقات با میرزای شیرازی، او را متقاعد کنم که به عنوان عالی‌ترین مرجع دینی، حکومت غیر شرعی و جائز – سرنگون کردن حکومت غیر شرعی و تشکیل حکومت ناصرالدین‌شاه را سرنگون کند؛ و به جای آن، یک حکومت شرعی و اسلامی – که رهبری و نظارت آن با فقها و مراجع باشد – بر سر کار بیاورد؛ ولی من پاسخ دادم که میرزا، حتی اگر قادر

روایت استاد اکبر ثبوت از میرزا محمدتقی آملی/پایانی ماجرای کتاب «جامع‌البین»



با او نشد، و در پاسخ وساطت نائینی گفت: «من نمی‌توانم کاذبهٔ سید جمال‌الدین را به دوش بکنم.»

هدیه‌ی گرانبهای استاد آملی و پیام‌های آن
پس از به پایان رساندن مراحل از درس خارج با استاد آملی (خارج عروه) و ارائهٔ بحثی که در نظر ایشان پسند اتاناد، در خیلی زبان‌بازتر و خطرناک‌تر است از جملهٔ آلوده شدن علما به فسادهایی که تراکم قدرت و ثروت در دست آنان به دنبال دارد؛ و تشدید اختلافات در میان آن‌ان بر اثر رقابت برای دستیابی به مناصب حکومتی؛ و سست شدن ایدم مردم با مشاهدهٔ این‌گونه اختلافات و… من گفتم و او گفت و بگویم‌گو بالا گرفت؛ و بالاخره بی‌اینکه نتیجه‌ای از گفتگو‌ها به دست آید، از یکدیگر جدا شدیم. بعد که من به عراق رفتم و در سامره به محضر میرزا رسیدم و گفتگو‌هایی را که میان من و سید درگفته بود برای او بازگو کردم. میرزا گفت: «اگر نظر سید را می‌پذیرفی، با تو قطع رابطه می‌کردم؛ چون پیشنهاد او علاوه بر مقاصدی که تو برشمردی، بسیاری مفاسد دیگر در بر دارد، از جمله این که در حال حاضر، در هر گوشه از مملکت، باغیان متعددی منتظرند ضعف و سستی و فتوری در تشکیلات حکومت مرکزی ایران پیدا نشود، و آنها سر به طغیان بردارند و شورش و تباهی راه بپایان‌زدند؛ و باحمایت قدرت‌های خارجی، گوشه‌هایی از مملکت را جدا کنند؛ و عزل شاه که منجر به ناتوانی حکومت مرکزی می‌شود، چنین فرصتی را که باغی‌ها و قدرت‌های خارجی در آرزوی آنند، در اختیار آنان می‌گذارند؛ و آنگاه خدا عالم است که چه بر سر مملکت خواهد آمد. پیشنهاد سیدجمال‌الدین هم برای مقابله با این باغی‌ها – که پس از عزل شاه سر برمی‌دارند – این است که: از عثمانی‌ها بخواهیم سپاهشان را بفرستند به مناطق مختلف مملکت ما، و باغی‌ها را سرکوب کنند؛ یعنی با دست خودمان، دروازه‌های مملکت را به روی سپاهیان عثمانی باز کنیم؛ و با التماس از آنان بخواهیم که تشسریف بیاورند و

بر مملکت ما امنیت را برقرار بفرمایند. حالا اگر در این میان، تبدیل به مستعمرهٔ عثمانی‌ها شد، فدای سر حکومت شرعی و اسلامی سیدجمال‌الدین! علاوه‌بر آنکه وقتی عثمانی‌ها پایتشان به مملکت ما باز شد، روس‌ها و انگلیسی‌ها هم بیکار نمی‌نشینند؛ و برای اینکه عقب‌نمانند، و سهمی از غنیمت ببرند، خواهند آمد و آن‌وقت ایران صحنهٔ جنگ میان سپاهیان غنیمت‌طلب سه دولت مهاجم و گرسنه می‌شود؛ و بیچاره مردم ما که به امید برقراری نظام شرعی و اسلامی، با حکم و فتوای ما که به صیحهٔ مبارزه آمده‌اند و همهٔ هستی خود را در این نثار کرده‌اند!»

یادآوری‌گوشه‌ای از گفتگو‌های شیخ عبدلبنی نوری با سیدجمال‌الدین در استنبول، و با میرزای شیرازی در سامره را آیت‌الله سیدعلیرضی شیرازی –نوادهٔ مرحوم میرزا– از قول آقا محمد به عکس نسخهٔ جامع‌البین به خط پلار شیخ بهایی را نقل کرده‌اند.
استاد همچنین از قول استاد دیدگار شکران میرزای نائینی نقل کردند که سیدجمال‌الدین اسدآبادی از من خواست برای او از میرزای شیرازی وقت ملاقات کامل و صحیح غیر شرعی و جائز – سرنگون کردن حکومت غیر شرعی و تشکیل حکومت اسلامی زیر نظر مراجع دینی – را به میرزا بقبولاند؛ ولی میرزا که چنین طرحی را مطلقاً مردود می‌شمرد، حتی حاضر به ملاقات با میرزا در خواست‌کنگرهٔ شهیدین، مصاحبه‌ای نیز با شخص من، به عنوان مصحح جامع‌البین انجام گرفت که در خلال آن، اقداماتی را که برای دستیابی به نسخه‌های مختلف این کتاب و استفاده از آنها و منابع دیگر برای تهیهٔ نسخه‌ای صحیح و کامل کرده بودم، توضیح دادم و این مصاحبه در نشریهٔ نامهٔ کنگرهٔ شهیدین (شمارهٔ ۲، بهار ۸۸) منتشر شد.

به با بهایی گران به دست آمده بود، با اصل نسخهٔ اهدایی استاد آملی، به رایگان در اختیار آقای ناطقی گذاشتم تا از هر دو برای پژوهشگاه عکس بگیرند. همچنین علاوه‌بر زحماتی که در طول سالهای قبل برای تصحیح و مقابلهٔ کتاب کشیده بودم، بیش از دو سال دیگر، برای تهیهٔ یک نسخهٔ کامل و صحیح از روی دو نسخهٔ ناقص مزبور و عکس دو نسخهٔ پرغلط دیگر (یکی متعلق به کتابخانهٔ مجلس و دیگری ار اسالی از نجف) و با مراجعه به منابع دیگر از جمله منیه‌اللبیب وقت گذاشتم؛ و حواشی زیادی بر آن نوشتم که برای تنظیم آنها به منابع فراوانی مراجعه کردم. پس از چند بار غلط‌گیری نمونه‌های تأیید شده، قرار بر این شد که هر وقت پرینت نهایی را آماده کردند، برای نظر اخترفراستند من ببینم در مقدمه‌ای که برای کتاب می‌نویسم، بخشی از مطالبی را که به توصیهٔ استاد آملی برای تبیین سیر و تحول اصول فقه شیعه تا دورهٔ شهید اول گردآورده بودم، بیاورم.

بنابه درخواست کنگرهٔ شهیدین، مصاحبه‌ای نیز با شخص من، به عنوان مصحح جامع‌البین انجام گرفت که در خلال آن، اقداماتی را که برای دستیابی به نسخه‌های مختلف این کتاب و استفاده از آنها و منابع دیگر برای تهیهٔ نسخه‌ای صحیح و کامل کرده بودم، توضیح دادم و این مصاحبه در نشریهٔ نامهٔ کنگرهٔ شهیدین (شمارهٔ ۲، بهار ۸۸) منتشر شد.

در انتظار پرینت نهایی و اقدام برای تنظیم مقدمهٔ کتاب بودم که با کمال تعجب، خبر آمد شده جامع‌البین در دو مجلد چاپ و منتشر شده و در هیچ یک از دو مجلد، نه بر روی جلد و نه در صفحهٔ عنوان، نامی از مصحح نیست و در صفحهٔ شناسنامه هر دو مجلد نیز فقط نام آقای علی‌اوسط ناطقی (مجموعهٔ ۶ یا ۶) به عنوان کسی که کار تصحیح زیر نظر ایشان انجام گرفته، آمده‌است.

جلد اول کتاب نیز مقدمهٔ مختصری با اسم و امضای آقای علی‌اوسط ناطقی دارد که در آن لطف کرده‌اند در کنار نام هشت نفر دیگر، نامی از من و استادم برده‌اند؛ اما اینکه حقوق معنوی من کجا رفته و اینکه قرار بوده‌است من مقدمه‌ای بنویسم و کتاب را به استادم هدیه کنم، همهٔ اینها هیچ و هیچ در نامه‌ای هم که برای من فرستادند، دلیل عدم یابیدنی به تعهد خود در مورد چاپ مقدمهٔ من بر جامع‌البین – ششمل بر اهدای کتاب به استاد آملی – را جمله‌برای بر گزار می‌کنند. شهیدین ذکر کردند و معنی سخن ایشان این است که هر کس می‌تواند آنچه را تعهد کرده، زیر پا بگذارد و بگوید چون برای اجرای فالان زمانه مجله داشتیم، لازم بود آیه کریمهٔ «و افوا بالعهاد ان العهد کما مسئولوا» و حدیث شریف «لا عهد له» را نسخ کنیم. علاوه بر آنکه ضرورت حذف مقدمه به خاطر تعجیل در کار، می‌توانست باشد، اما این عمل را با یک تماس تلفنی به اطلاع من برسد تا؛ و انتشار آماده کنم. ایشان همچنین با ملاحظهٔ گفتاری دربارهٔ سیر مقدمه‌ای آقای علی‌اوسط ناطقی به قلم استاد شهابی خراسانی که به صورت طبع ششیده بود، اظهار امیدواری کردند که من این موضوع را تفصیلاً در کتابی مستقل به بحث بگذارم.

در برابر محبت‌های استاد آملی و درخواست‌های ایشان، من در خلال سالهای طولانی، از یک طرف موادی برای تبیین سیر و تحول اصول فقه فراهم می‌آوردم؛ و از طرف دیگر در فکر عرضه و انتشار جامع‌البین و اهدای آن به استاد آملی (رو) بودم؛ و نزدیک چهل سال قبل، نسخهٔ اعطایی ایشان را به کاتبی سپردم که در ازای «دهزار تومان (به پول آن روز) نسخهٔ دیگری از روی آن بنویسد تا برای تهیهٔ نسخه‌ای کامل و صحیح، گام‌های بعدی برداشته‌شود.

در سال ۱۳۷۰ در سفری به هند، معادل یک ماه حقوق و فوق‌العادهٔ مأمورینم را در ازای یک عکس از صحیح‌ترین نسخهٔ جامع‌البین به خط پدر شیخ بهایی دادم و شروع به مقابلهٔ نسخه نو نویسان با آن کردم که بیش از چهل صفحهٔ آن با مقدمه‌ای در مجلهٔ تحقیقات اسلامی می‌چاپ رسید.

اینها بود تا هشتاد سال قبل از طرف پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (قم)، چندبار متلفنی و حضوری بیان نابیز تماس گرفتند و درخواست کردند که تصحیح جامع‌البین را برای «کنگرهٔ شهیدین» به انجام برسانم. من نیز پذیرفتم و ضمناً گفتم که: «از بابت حق تصحیح کتاب چانه نمی‌زنم و هر چه هم بگیرم، به نیت هدیه به مرحوم استاد ادم، در راه ترویج معارف اسلامی هزینه می‌کنم؛ ولی تأکید دارم که در مقدمهٔ این کتاب، ذکر خیر مفصلی از استاد آملی داشته باشم و کتاب را به ایشان هدیه نمایم؛ و با ادای احترام به ایشان، بخشی نابیز از حقوقی را که به گردن من دارد، آن‌ا کم»؛ پاسخ آقای علی‌اوسط ناطقی عاز طرف مسئولان پژوهشگاه این بود که: «کار متعلق به شماست و هر تصمیمی در مورد آن داشته باشید، ما هم قبول داریم.» با این شرط ظریف متعهد شدند.

بعد هم عکس نسخهٔ جامع‌البین به خط پلار شیخ بهایی را

نوشته‌اند: «نسخهٔ دیگری نیز از کتاب شناسایی شد که انشاءالله تصویر آن اخذ خواهد شد و برای نظر نهایی خدمت شما ارسال خواهد شد.»
آقای علی اوسط ناطقی یک بار از من سؤال کردند که: «شما از نسخه‌های موجود مورد استفاده، با چه نشانه‌هایی یاد می‌کنید؟» ولی پاسخی را که من دادم، درست نفهمیدند و در نتیجه در مقدمه‌ای که به نام ایشان چاپ شده، آمده‌است که در تصحیح جامع‌البین، از دو نسخهٔ متعلق به کتابخانهٔ مجلس، با دو نشانی مج ۱ و مج ۲، یاد شده‌است. (مقدمهٔ ج ۱، صص ۱۹ تا ۲۱) درحالی که در سرتاسر حواشی این دو مجلد، هیچ نشانی از «مج ۲» دیده نمی‌شود و در عوض، در موارد متعدّد نشانی «مج» (بدون شماره) به چشم می‌خورد (از جمله در ج ۱، صص ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶ و ۱۹۹) که از توضیحات مقدمهٔ کتاب نمی‌توان فهمید مقصود از آن چیست.

همچنین ایشان ریعی مدیر و مسئول عالی مرکز احیای آثار در پژوهشگاه معظّم علوم و فرهنگ اسلامی – به اندازه‌ای از اصول تحقیق ناآگاهند که نه تنها لزوم تنظیم فهراس مختلف (اعلام، تخصص و امکنه و کتب و فرق و اصطلاحات و…) را برای کتابی همچون جامع‌البین درک نمی‌کنند، بلکه حتی نمی‌دانند که وقتی من در حواشی جامع‌البین، به ده‌ها منبع ارجاع دادم، باید در پایان کتاب یا مقدمه، مشخصات دقیق تمام منابع ذکر شود تا خواننده بداند به کدام یک از جاهایی متعدد صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن نسائی، فتوحات مکیه، عقداًلقرید و… مراجعه‌کند.

سخن دربارهٔ دیگر کاستی‌ها و نیز اغلاطی که – به علت عدم ارسال پرینت نهایی کتاب برای من – به کتاب راه یافته، مجال بسیار وسیع می‌طلبد و در اینجا به چند نمونه بسنده می‌کنم:

در حاشیهٔ صفحهٔ ۸۵ (ج ۱) تولد عبدالله بن عمر در سال ۱۰هـ ضبط شده که ۱۰ ق. هـ قبل از (هجرت) درست است. (الاعلام، زرکلی، ج ۲، ص ۱۰۸) و در صفحهٔ ۱۳۷، از فرقهٔ «حنفیه» به صورت نادرست «حنفیه» یاد شده؛ که تفاوت این دو بر هیچ طبلهٔ مبتدیی پوشیده نیست. و در صفحهٔ ۱۰۱، حدیث نبوی(ص) به صورت غلط ضبط شده و «الانصار» درست است نه «الانصار» (نسخهٔ لنگه‌نو، صص ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴)

آقای علی‌اوسط ناطقی در پاسخ اعتراضات من نامه‌ای خصوصی نوشته و وانمود فرموده‌اند که چون می‌خواست‌اند «مسئولیت کاستی‌های تحقیق را به عهده» گیرند، لهذا کتاب را به نام خود ثبت کرده‌اند؛ اما نفرموده‌اند که اصلاً چرا کتاب را به آن صورت مغلوط و معیوب و پر از کاستی منتشر کرده‌اند که ناگزیر باشند شخص خود را مسئول آن معرفی بفرمایند؛ و چه عیبی داشت که اجازه می‌دادند تا آخرین مرحلهٔ تصحیح کتاب و آماده‌سازی آن برای نشر، نظارت من (نامه می‌یافت و با انتشار آن به این شکل، اسباب شرمساری من و تذکر روح استاد و مصنف جامع‌البین فراهم نمی‌آمد؟) آیا در تعجیل برای ثبت کتاب به نام خویش، ضرورتی بوده است که با وجود آن، همهٔ محظورات مباح‌های می‌شد‌است؟

آری، به دلیل عجله‌ای که برای ثبت کتاب «شهید» به نام

خویش داشتند، کتابی را که من می‌خواستم به بهترین شکل

ممکن عرضه شود و یادگاری از محبت‌های کتابی که برای اهل اسلام باشد، ششید» و ت و پاپ کردند و عهدی را که برای تصحیح جامع‌البین با من بستند شکستند؛ و شرط و شروطی را که پذیرفته بودند، این چنین زیر پا گذاشتند و به دریافت پاداش‌ها و جوایز کلاّن سرفراز گردیدند و در برابر، این بود پاداش آن‌همه

زحمت‌های یک معلم و پیر خلمت‌گزار فرهنگ اسلامی که حتی مجاز نباشد برای ادای احترام به استاد خود – آن‌هم استادی در مرتبهٔ حکیم فقیه آملی خو کلمه بنویسد.

پی‌نوشت‌ها

۱. (رسال مشروطیت، صص ۲۱۲ (بیانیهٔ شیخ نوری و ۳۲ نفر هم مسلکان و از علمای شیعه و سنی).

۲. این سخن را استاد بزرگوار محمدرضا حکیمی نیز بارها از حکیم

آملی نقل کرده‌اند. از جمله در نامهٔ مفصلی به این نابیز – و بنگرید به مرزبان

توحید، صص ۳۱۳، ۱۱۴.

۳. نشریهٔ مهرنامه، ش ۱۴، صص ۹۶ – مصاحبه با آقای عبدالمجید

معلیخواه

۴. تأکیدهای سیدجمال‌الدین به مراجع دینی و خفتهٔ میرزای شیرازی

در مورد سرنگون کردن حکومت غیردینی بر پا کردن حکومت شرعی که

متصدی آن مورد ضایع علمای دین و تسلیم خوستانهٔ آنان باشد، در نامه‌ها

و مقالات او منعکس شده‌است. برای نمونه بنگرید به سیدجمال‌الدین، الآثار

الکلامه، ج ۹۸، صص ۲۶۰۷، ۲۶۰۸.

۵. نشریهٔ حوزه، ش ۵۵۱، صص ۳۵۶.

۶. مشابه پاسخ را آیت‌الله حسینی همدانی داده‌اند تا بنی من در قول

او از زبان میرزای شیرازی بازگو کرده است. (اینهارن حقیقت، ج ۱، صص

۱۹۴، ۱۹۵)

ویژه فرهنگ تاریخ و تمدن ایران و جهان ۳۶۲ **اظهارات** ویژه فرهنگ تاریخ و تمدن ایران و جهان ۳۶۲/

کریم فیضی

لوح

در کوچه باغ اندیشه ۸۸–

مرکز مرکز جهان

زهن کوره ای بیش نیست.
هیزم این کوره
انسان است که می‌سوزد و فکر می‌سازد.
آری، افکار آدمی، به بهای زندگی او تمام می‌شود.

دیانتی که به افزایش و تقویت اراده منجر نشود، ناقص و ناکارآمد است.

میان ذهن و جامعه ارتباط وجود دارد.
ذهن باطن جامعه و جامعه ظاهر ذهن است.
آنچه شب در ذهن عبور می‌کند، روز در جامعه مرور می‌کند.

دعا جهان را برای شفاعت فعال می‌کند.
دشوارِی‌ها و زمختی‌ها را نرم می‌کند.
خاک را گل و گل را خشت

می‌کند و تا خشت های طلا، ادامه می یابد.
آری، دعا جهان را برای شـمـا به شکلی که دوست دارید در می‌آورد.

با کمی تامل می توان گفت اسلام بر دو نوع است: اسلام اسمی و اسلام رسمی. اسلام اسمی، قومی است برخلاف اسلام رسمی که الهی است و قومیت نمی‌شناسد. اسلام رسمی، عرفانی و عارفانه است و در مقابل، اسلام اسمی نظری

و جدلی است و معرفت و معنویت را برنمی‌تابد. اسلام رسمی، بشیریت را از شرق تا غرب دربرمی‌گیرد و عامل پیوند همه انسانهایی است که خسته از بن‌بست ماده و جهان، در جستجوی راهی برای رهایی هستند. تجربه‌نشان می‌دهد اسلام اسمی اسلام رسمی را قبول ندارد و برای از بین بردنش از هیچ کاری دریغ نمی‌کند.

زندگی بسیاری از انسانها به نوعی طراحی شده است که نه تنها اراده در آن جایی ندارد، بلکه همه چیز در خدمت نفی اراده و ستیز با اراده است.

زندگی بسیاری از انسانها به نوعی طراحی شده است که نه تنها اراده در آن جایی ندارد، بلکه همه چیز در خدمت نفی اراده و ستیز با اراده است.

انسان کرده ایم که اراده نکنیم و این بدترین نوع اراده و منحط ترین نوع مبارزه با اراده است!

انسان تجسم حیات است حتی اگر پشت به زندگی نموده، بر روی آن شمشیر بکشد.

علوم خفیه یعنی دست خدا بسته نیست و بسته نمی‌شود.
زنده بودن علوم خفیه و شمولش بر همه قضایای قدیم و جدید و کلی و جزئی و ریز و درشت علامت زنده بودن غیب و علام الغیوب است.

کسی که در زیر سایبان دین آرام نگیرد، کجا آرام خواهد گرفت؟
آدمی آنجا که از دین بگریزد، طعمه شیطان می‌شود.

نقش و حضور حضرت علی(ع) و دعاها و مؤثرات حضرت در مراحل علوم خفیه، بسیار جدی و بسیار پررنگ است.
مرحوم نخودکی اغلب این شعر را می‌خواند:

ای به ولای تو تولای من
از خود و اغیار تیرای من

سود تو سرمایه سودای من
گر بشکافند سراسرای من
جز تو نچوند در اعضای من

نه تقدس خطرناک است، نه انسان مقدس،
خطر زمانی رخ می‌نماید کسه قدرت با تقدس ترکیب شود.
«قدرت مقدس» و «مقدس قدرتمند» هر دو به یک اندازه خطرناکند.



سخن

اشاره: پروفیسور دکتر ارهاد وزیر اقتصاد جمهوری فدرال آلمان هنگام مسافرت خود به تهران، در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۳۸ در دانشگاه تهران خطابه‌ای به زبان آلمانی ایراد کرد که توسط آقای مهندس عیسی شهابی دانشیار دانشکده ادبیات به فارسی ترجمه شد و اینک در ذیل از نظر خوانندگان می‌گذرد.

جناب آقای رئیس دانشگاه، آقایان همکاران محترم، خانمها و آقایان، دانشجویان عزیز!

برای اینجانب مایه کمال مسرت است که در این فرصت می‌توانم در دانشگاه هم سخنی چند ایراد کنم، زیرا هرچه باشد دانشگاه میهن معنوی من است. اشتیاق به آگاهی و احتیاج به اندیشه و تأمل موجب نیرویی است که معرفت حاصله را تبدیل به عمل می‌کند و اگر بخواهید بدانید به اتکاء همین منبع معنوی بود که ما پس از شکست آلمان دست به کار شدیم. ولی لازم می‌دانم هم‌اکنون تذکر دهم که برخلاف اظهار جناب آقای رئیس دانشگاه - که قبل از اینجانب صحبت فرمودند - آنچه که در آلمان صورت گرفته مطلقاً جنبه اعجاز نداشت بلکه نتیجه منطقی و طبیعی تلاش صمیمانه و شرافتمندانه تمامی ملت آلمان بود که طبعاً مجبور بود مشی جدیدی برای آتیه خود برگزیند و محتملاً همین مشی جدید بود که در تمام دنیا «اعجاز اقتصادی» نام گرفته و حال آنکه خود ما بدون آنکه آن را اعجاز بدانیم آزاد گذاردن عرضه و تقاضا با توجه به احتیاجات مصرف‌کنندگان و به وجود آمدن قیمت‌ها را بر اساس آن می‌نامیم. تصور نشود که من قصد دارم اقتباس اصول جمهوری فدرال آلمان را در اینجا توصیه کنم زیرا در همه جا نمی‌توان یک روش و طریقه معین را به کار برد. وضع و مرحله پیشرفت اقتصاد ملی هر کشور و قدرت متوسط تولید هر یک از افراد آن و بالاخره رشد افراد برای انجام دادن کار از روی اصول صحیح از جمله عواملی است که اتخاذ روش صحیح اقتصادی باید با آن منطبق باشد. وسایلی که سیاست اقتصادی برای تولید بکار می‌برد بدون توجه به ارزشی است که مواد تولیدشده دارد. لیکن هدفی که مورد نظر سیاست اقتصادی می‌باشد ارزشی است که مواد تولیدشده از لحاظ جامعه دارد. یعنی در اینجا هم همان مسأله‌ای مورد توجه است که در تمام علوم عقلانی و معنوی مطرح نظر می‌باشد.

بر ماست که از بدو امر بدانیم که اقتصاد را تنها از لحاظ جنبه مادی آن نباید تعبیر کرد، بلکه ارزش معنوی آن و ترضیه خاطری را هم که در نتیجه یک اقتصاد صحیح فراهم می‌شود، باید یکی از نتایج مهم آن محسوب داشت که خود عامل مؤثری در تهییج افراد در بکار انداختن نیروهای بیشتر می‌باشد.

مقصودم از این بیان آن است که استفاده از روش‌های گذشته کمکی در پیشرفت ما نخواهد کرد و این مسأله‌ای است که در کلیه کشورهای جهان عمومیت دارد زیرا منشأ آنچه ما در گذشته انجام داده‌ایم مقتضیاتی است که در آن زمان وجود داشته است و اکنون همه بخوبی می‌دانیم که در این مدت چه تحولاتی رخ داده و چه عوامل اساسی جدیدی کسب اهمیت کرده است. بدیهی است که هیچ اقتصادی بدون توجه به این مسأله و رعایت آن نمی‌تواند پیشرفت کند. چه بالاخره مردم هم انسان‌های مصنوعی نیستند و توقعات دیگری از زندگی خود دارند.

شکی نیست که این معنی در مورد ملل مختلف بر حسب درجه رفاه افراد و امنیت اجتماعی آنان بصورت گوناگون تجلی می‌کند ولی اساس و کلیات آن بهر حال مسلم و قطعی است. من البته نمی‌خواهم در اینجا موضوعی را که در عرف به رمز سیاست اقتصادی آلمان

تجدید حیات آلمان، به روایت پروفیسور ارهاد //

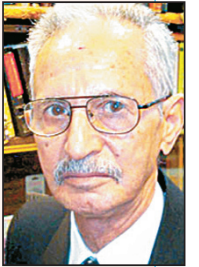
سخنرانی در دانشگاه ادبیات



۱۳۳۸ - ۱۳۳۹ - ۱۳۴۰ - ۱۳۴۱ - ۱۳۴۲ - ۱۳۴۳ - ۱۳۴۴ - ۱۳۴۵ - ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷ - ۱۳۴۸ - ۱۳۴۹ - ۱۳۵۰ - ۱۳۵۱ - ۱۳۵۲ - ۱۳۵۳ - ۱۳۵۴ - ۱۳۵۵ - ۱۳۵۶ - ۱۳۵۷ - ۱۳۵۸ - ۱۳۵۹ - ۱۳۶۰ - ۱۳۶۱ - ۱۳۶۲ - ۱۳۶۳ - ۱۳۶۴ - ۱۳۶۵ - ۱۳۶۶ - ۱۳۶۷ - ۱۳۶۸ - ۱۳۶۹ - ۱۳۷۰ - ۱۳۷۱ - ۱۳۷۲ - ۱۳۷۳ - ۱۳۷۴ - ۱۳۷۵ - ۱۳۷۶ - ۱۳۷۷ - ۱۳۷۸ - ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰ - ۱۳۸۱ - ۱۳۸۲ - ۱۳۸۳ - ۱۳۸۴ - ۱۳۸۵ - ۱۳۸۶ - ۱۳۸۷ - ۱۳۸۸ - ۱۳۸۹ - ۱۳۹۰ - ۱۳۹۱ - ۱۳۹۲ - ۱۳۹۳ - ۱۳۹۴ - ۱۳۹۵ - ۱۳۹۶ - ۱۳۹۷ - ۱۳۹۸ - ۱۳۹۹ - ۱۴۰۰ - ۱۴۰۱ - ۱۴۰۲ - ۱۴۰۳ - ۱۴۰۴ - ۱۴۰۵ - ۱۴۰۶ - ۱۴۰۷ - ۱۴۰۸ - ۱۴۰۹ - ۱۴۱۰ - ۱۴۱۱ - ۱۴۱۲ - ۱۴۱۳ - ۱۴۱۴ - ۱۴۱۵ - ۱۴۱۶ - ۱۴۱۷ - ۱۴۱۸ - ۱۴۱۹ - ۱۴۲۰ - ۱۴۲۱ - ۱۴۲۲ - ۱۴۲۳ - ۱۴۲۴ - ۱۴۲۵ - ۱۴۲۶ - ۱۴۲۷ - ۱۴۲۸ - ۱۴۲۹ - ۱۴۳۰ - ۱۴۳۱ - ۱۴۳۲ - ۱۴۳۳ - ۱۴۳۴ - ۱۴۳۵ - ۱۴۳۶ - ۱۴۳۷ - ۱۴۳۸ - ۱۴۳۹ - ۱۴۴۰ - ۱۴۴۱ - ۱۴۴۲ - ۱۴۴۳ - ۱۴۴۴ - ۱۴۴۵ - ۱۴۴۶ - ۱۴۴۷ - ۱۴۴۸ - ۱۴۴۹ - ۱۴۵۰ - ۱۴۵۱ - ۱۴۵۲ - ۱۴۵۳ - ۱۴۵۴ - ۱۴۵۵ - ۱۴۵۶ - ۱۴۵۷ - ۱۴۵۸ - ۱۴۵۹ - ۱۴۶۰ - ۱۴۶۱ - ۱۴۶۲ - ۱۴۶۳ - ۱۴۶۴ - ۱۴۶۵ - ۱۴۶۶ - ۱۴۶۷ - ۱۴۶۸ - ۱۴۶۹ - ۱۴۷۰ - ۱۴۷۱ - ۱۴۷۲ - ۱۴۷۳ - ۱۴۷۴ - ۱۴۷۵ - ۱۴۷۶ - ۱۴۷۷ - ۱۴۷۸ - ۱۴۷۹ - ۱۴۸۰ - ۱۴۸۱ - ۱۴۸۲ - ۱۴۸۳ - ۱۴۸۴ - ۱۴۸۵ - ۱۴۸۶ - ۱۴۸۷ - ۱۴۸۸ - ۱۴۸۹ - ۱۴۹۰ - ۱۴۹۱ - ۱۴۹۲ - ۱۴۹۳ - ۱۴۹۴ - ۱۴۹۵ - ۱۴۹۶ - ۱۴۹۷ - ۱۴۹۸ - ۱۴۹۹ - ۱۵۰۰ - ۱۵۰۱ - ۱۵۰۲ - ۱۵۰۳ - ۱۵۰۴ - ۱۵۰۵ - ۱۵۰۶ - ۱۵۰۷ - ۱۵۰۸ - ۱۵۰۹ - ۱۵۱۰ - ۱۵۱۱ - ۱۵۱۲ - ۱۵۱۳ - ۱۵۱۴ - ۱۵۱۵ - ۱۵۱۶ - ۱۵۱۷ - ۱۵۱۸ - ۱۵۱۹ - ۱۵۲۰ - ۱۵۲۱ - ۱۵۲۲ - ۱۵۲۳ - ۱۵۲۴ - ۱۵۲۵ - ۱۵۲۶ - ۱۵۲۷ - ۱۵۲۸ - ۱۵۲۹ - ۱۵۳۰ - ۱۵۳۱ - ۱۵۳۲ - ۱۵۳۳ - ۱۵۳۴ - ۱۵۳۵ - ۱۵۳۶ - ۱۵۳۷ - ۱۵۳۸ - ۱۵۳۹ - ۱۵۴۰ - ۱۵۴۱ - ۱۵۴۲ - ۱۵۴۳ - ۱۵۴۴ - ۱۵۴۵ - ۱۵۴۶ - ۱۵۴۷ - ۱۵۴۸ - ۱۵۴۹ - ۱۵۵۰ - ۱۵۵۱ - ۱۵۵۲ - ۱۵۵۳ - ۱۵۵۴ - ۱۵۵۵ - ۱۵۵۶ - ۱۵۵۷ - ۱۵۵۸ - ۱۵۵۹ - ۱۵۶۰ - ۱۵۶۱ - ۱۵۶۲ - ۱۵۶۳ - ۱۵۶۴ - ۱۵۶۵ - ۱۵۶۶ - ۱۵۶۷ - ۱۵۶۸ - ۱۵۶۹ - ۱۵۷۰ - ۱۵۷۱ - ۱۵۷۲ - ۱۵۷۳ - ۱۵۷۴ - ۱۵۷۵ - ۱۵۷۶ - ۱۵۷۷ - ۱۵۷۸ - ۱۵۷۹ - ۱۵۸۰ - ۱۵۸۱ - ۱۵۸۲ - ۱۵۸۳ - ۱۵۸۴ - ۱۵۸۵ - ۱۵۸۶ - ۱۵۸۷ - ۱۵۸۸ - ۱۵۸۹ - ۱۵۹۰ - ۱۵۹۱ - ۱۵۹۲ - ۱۵۹۳ - ۱۵۹۴ - ۱۵۹۵ - ۱۵۹۶ - ۱۵۹۷ - ۱۵۹۸ - ۱۵۹۹ - ۱۶۰۰ - ۱۶۰۱ - ۱۶۰۲ - ۱۶۰۳ - ۱۶۰۴ - ۱۶۰۵ - ۱۶۰۶ - ۱۶۰۷ - ۱۶۰۸ - ۱۶۰۹ - ۱۶۱۰ - ۱۶۱۱ - ۱۶۱۲ - ۱۶۱۳ - ۱۶۱۴ - ۱۶۱۵ - ۱۶۱۶ - ۱۶۱۷ - ۱۶۱۸ - ۱۶۱۹ - ۱۶۲۰ - ۱۶۲۱ - ۱۶۲۲ - ۱۶۲۳ - ۱۶۲۴ - ۱۶۲۵ - ۱۶۲۶ - ۱۶۲۷ - ۱۶۲۸ - ۱۶۲۹ - ۱۶۳۰ - ۱۶۳۱ - ۱۶۳۲ - ۱۶۳۳ - ۱۶۳۴ - ۱۶۳۵ - ۱۶۳۶ - ۱۶۳۷ - ۱۶۳۸ - ۱۶۳۹ - ۱۶۴۰ - ۱۶۴۱ - ۱۶۴۲ - ۱۶۴۳ - ۱۶۴۴ - ۱۶۴۵ - ۱۶۴۶ - ۱۶۴۷ - ۱۶۴۸ - ۱۶۴۹ - ۱۶۵۰ - ۱۶۵۱ - ۱۶۵۲ - ۱۶۵۳ - ۱۶۵۴ - ۱۶۵۵ - ۱۶۵۶ - ۱۶۵۷ - ۱۶۵۸ - ۱۶۵۹ - ۱۶۶۰ - ۱۶۶۱ - ۱۶۶۲ - ۱۶۶۳ - ۱۶۶۴ - ۱۶۶۵ - ۱۶۶۶ - ۱۶۶۷ - ۱۶۶۸ - ۱۶۶۹ - ۱۶۷۰ - ۱۶۷۱ - ۱۶۷۲ - ۱۶۷۳ - ۱۶۷۴ - ۱۶۷۵ - ۱۶۷۶ - ۱۶۷۷ - ۱۶۷۸ - ۱۶۷۹ - ۱۶۸۰ - ۱۶۸۱ - ۱۶۸۲ - ۱۶۸۳ - ۱۶۸۴ - ۱۶۸۵ - ۱۶۸۶ - ۱۶۸۷ - ۱۶۸۸ - ۱۶۸۹ - ۱۶۹۰ - ۱۶۹۱ - ۱۶۹۲ - ۱۶۹۳ - ۱۶۹۴ - ۱۶۹۵ - ۱۶۹۶ - ۱۶۹۷ - ۱۶۹۸ - ۱۶۹۹ - ۱۷۰۰ - ۱۷۰۱ - ۱۷۰۲ - ۱۷۰۳ - ۱۷۰۴ - ۱۷۰۵ - ۱۷۰۶ - ۱۷۰۷ - ۱۷۰۸ - ۱۷۰۹ - ۱۷۱۰ - ۱۷۱۱ - ۱۷۱۲ - ۱۷۱۳ - ۱۷۱۴ - ۱۷۱۵ - ۱۷۱۶ - ۱۷۱۷ - ۱۷۱۸ - ۱۷۱۹ - ۱۷۲۰ - ۱۷۲۱ - ۱۷۲۲ - ۱۷۲۳ - ۱۷۲۴ - ۱۷۲۵ - ۱۷۲۶ - ۱۷۲۷ - ۱۷۲۸ - ۱۷۲۹ - ۱۷۳۰ - ۱۷۳۱ - ۱۷۳۲ - ۱۷۳۳ - ۱۷۳۴ - ۱۷۳۵ - ۱۷۳۶ - ۱۷۳۷ - ۱۷۳۸ - ۱۷۳۹ - ۱۷۴۰ - ۱۷۴۱ - ۱۷۴۲ - ۱۷۴۳ - ۱۷۴۴ - ۱۷۴۵ - ۱۷۴۶ - ۱۷۴۷ - ۱۷۴۸ - ۱۷۴۹ - ۱۷۵۰ - ۱۷۵۱ - ۱۷۵۲ - ۱۷۵۳ - ۱۷۵۴ - ۱۷۵۵ - ۱۷۵۶ - ۱۷۵۷ - ۱۷۵۸ - ۱۷۵۹ - ۱۷۶۰ - ۱۷۶۱ - ۱۷۶۲ - ۱۷۶۳ - ۱۷۶۴ - ۱۷۶۵ - ۱۷۶۶ - ۱۷۶۷ - ۱۷۶۸ - ۱۷۶۹ - ۱۷۷۰ - ۱۷۷۱ - ۱۷۷۲ - ۱۷۷۳ - ۱۷۷۴ - ۱۷۷۵ - ۱۷۷۶ - ۱۷۷۷ - ۱۷۷۸ - ۱۷۷۹ - ۱۷۸۰ - ۱۷۸۱ - ۱۷۸۲ - ۱۷۸۳ - ۱۷۸۴ - ۱۷۸۵ - ۱۷۸۶ - ۱۷۸۷ - ۱۷۸۸ - ۱۷۸۹ - ۱۷۹۰ - ۱۷۹۱ - ۱۷۹۲ - ۱۷۹۳ - ۱۷۹۴ - ۱۷۹۵ - ۱۷۹۶ - ۱۷۹۷ - ۱۷۹۸ - ۱۷۹۹ - ۱۸۰۰ - ۱۸۰۱ - ۱۸۰۲ - ۱۸۰۳ - ۱۸۰۴ - ۱۸۰۵ - ۱۸۰۶ - ۱۸۰۷ - ۱۸۰۸ - ۱۸۰۹ - ۱۸۱۰ - ۱۸۱۱ - ۱۸۱۲ - ۱۸۱۳ - ۱۸۱۴ - ۱۸۱۵ - ۱۸۱۶ - ۱۸۱۷ - ۱۸۱۸ - ۱۸۱۹ - ۱۸۲۰ - ۱۸۲۱ - ۱۸۲۲ - ۱۸۲۳ - ۱۸۲۴ - ۱۸۲۵ - ۱۸۲۶ - ۱۸۲۷ - ۱۸۲۸ - ۱۸۲۹ - ۱۸۳۰ - ۱۸۳۱ - ۱۸۳۲ - ۱۸۳۳ - ۱۸۳۴ - ۱۸۳۵ - ۱۸۳۶ - ۱۸۳۷ - ۱۸۳۸ - ۱۸۳۹ - ۱۸۴۰ - ۱۸۴۱ - ۱۸۴۲ - ۱۸۴۳ - ۱۸۴۴ - ۱۸۴۵ - ۱۸۴۶ - ۱۸۴۷ - ۱۸۴۸ - ۱۸۴۹ - ۱۸۵۰ - ۱۸۵۱ - ۱۸۵۲ - ۱۸۵۳ - ۱۸۵۴ - ۱۸۵۵ - ۱۸۵۶ - ۱۸۵۷ - ۱۸۵۸ - ۱۸۵۹ - ۱۸۶۰ - ۱۸۶۱ - ۱۸۶۲ - ۱۸۶۳ - ۱۸۶۴ - ۱۸۶۵ - ۱۸۶۶ - ۱۸۶۷ - ۱۸۶۸ - ۱۸۶۹ - ۱۸۷۰ - ۱۸۷۱ - ۱۸۷۲ - ۱۸۷۳ - ۱۸۷۴ - ۱۸۷۵ - ۱۸۷۶ - ۱۸۷۷ - ۱۸۷۸ - ۱۸۷۹ - ۱۸۸۰ - ۱۸۸۱ - ۱۸۸۲ - ۱۸۸۳ - ۱۸۸۴ - ۱۸۸۵ - ۱۸۸۶ - ۱۸۸۷ - ۱۸۸۸ - ۱۸۸۹ - ۱۸۹۰ - ۱۸۹۱ - ۱۸۹۲ - ۱۸۹۳ - ۱۸۹۴ - ۱۸۹۵ - ۱۸۹۶ - ۱۸۹۷ - ۱۸۹۸ - ۱۸۹۹ - ۱۹۰۰ - ۱۹۰۱ - ۱۹۰۲ - ۱۹۰۳ - ۱۹۰۴ - ۱۹۰۵ - ۱۹۰۶ - ۱۹۰۷ - ۱۹۰۸ - ۱۹۰۹ - ۱۹۱۰ - ۱۹۱۱ - ۱۹۱۲ - ۱۹۱۳ - ۱۹۱۴ - ۱۹۱۵ - ۱۹۱۶ - ۱۹۱۷ - ۱۹۱۸ - ۱۹۱۹ - ۱۹۲۰ - ۱۹۲۱ - ۱۹۲۲ - ۱۹۲۳ - ۱۹۲۴ - ۱۹۲۵ - ۱۹۲۶ - ۱۹۲۷ - ۱۹۲۸ - ۱۹۲۹ - ۱۹۳۰ - ۱۹۳۱ - ۱۹۳۲ - ۱۹۳۳ - ۱۹۳۴ - ۱۹۳۵ - ۱۹۳۶ - ۱۹۳۷ - ۱۹۳۸ - ۱۹۳۹ - ۱۹۴۰ - ۱۹۴۱ - ۱۹۴۲ - ۱۹۴۳ - ۱۹۴۴ - ۱۹۴۵ - ۱۹۴۶ - ۱۹۴۷ - ۱۹۴۸ - ۱۹۴۹ - ۱۹۵۰ - ۱۹۵۱ - ۱۹۵۲ - ۱۹۵۳ - ۱۹۵۴ - ۱۹۵۵ - ۱۹۵۶ - ۱۹۵۷ - ۱۹۵۸ - ۱۹۵۹ - ۱۹۶۰ - ۱۹۶۱ - ۱۹۶۲ - ۱۹۶۳ - ۱۹۶۴ - ۱۹۶۵ - ۱۹۶۶ - ۱۹۶۷ - ۱۹۶۸ - ۱۹۶۹ - ۱۹۷۰ - ۱۹۷۱ - ۱۹۷۲ - ۱۹۷۳ - ۱۹۷۴ - ۱۹۷۵ - ۱۹۷۶ - ۱۹۷۷ - ۱۹۷۸ - ۱۹۷۹ - ۱۹۸۰ - ۱۹۸۱ - ۱۹۸۲ - ۱۹۸۳ - ۱۹۸۴ - ۱۹۸۵ - ۱۹۸۶ - ۱۹۸۷ - ۱۹۸۸ - ۱۹۸۹ - ۱۹۹۰ - ۱۹۹۱ - ۱۹۹۲ - ۱۹۹۳ - ۱۹۹۴ - ۱۹۹۵ - ۱۹۹۶ - ۱۹۹۷ - ۱۹۹۸ - ۱۹۹۹ - ۲۰۰۰ - ۲۰۰۱ - ۲۰۰۲ - ۲۰۰۳ - ۲۰۰۴ - ۲۰۰۵ - ۲۰۰۶ - ۲۰۰۷ - ۲۰۰۸ - ۲۰۰۹ - ۲۰۱۰ - ۲۰۱۱ - ۲۰۱۲ - ۲۰۱۳ - ۲۰۱۴ - ۲۰۱۵ - ۲۰۱۶ - ۲۰۱۷ - ۲۰۱۸ - ۲۰۱۹ - ۲۰۲۰ - ۲۰۲۱ - ۲۰۲۲ - ۲۰۲۳ - ۲۰۲۴ - ۲۰۲۵ - ۲۰۲۶ - ۲۰۲۷ - ۲۰۲۸ - ۲۰۲۹ - ۲۰۳۰ - ۲۰۳۱ - ۲۰۳۲ - ۲۰۳۳ - ۲۰۳۴ - ۲۰۳۵ - ۲۰۳۶ - ۲۰۳۷ - ۲۰۳۸ - ۲۰۳۹ - ۲۰۴۰ - ۲۰۴۱ - ۲۰۴۲ - ۲۰۴۳ - ۲۰۴۴ - ۲۰۴۵ - ۲۰۴۶ - ۲۰۴۷ - ۲۰۴۸ - ۲۰۴۹ - ۲۰۵۰ - ۲۰۵۱ - ۲۰۵۲ - ۲۰۵۳ - ۲۰۵۴ - ۲۰۵۵ - ۲۰۵۶ - ۲۰۵۷ - ۲۰۵۸ - ۲۰۵۹ - ۲۰۶۰ - ۲۰۶۱ - ۲۰۶۲ - ۲۰۶۳ - ۲۰۶۴ - ۲۰۶۵ - ۲۰۶۶ - ۲۰۶۷ - ۲۰۶۸ - ۲۰۶۹ - ۲۰۷۰ - ۲۰۷۱ - ۲۰۷۲ - ۲۰۷۳ - ۲۰۷۴ - ۲۰۷۵ - ۲۰۷۶ - ۲۰۷۷ - ۲۰۷۸ - ۲۰۷۹ - ۲۰۸۰ - ۲۰۸۱ - ۲۰۸۲ - ۲۰۸۳ - ۲۰۸۴ - ۲۰۸۵ - ۲۰۸۶ - ۲۰۸۷ - ۲۰۸۸ - ۲۰۸۹ - ۲۰۹۰ - ۲۰۹۱ - ۲۰۹۲ - ۲۰۹۳ - ۲۰۹۴ - ۲۰۹۵ - ۲۰۹۶ - ۲۰۹۷ - ۲۰۹۸ - ۲۰۹۹ - ۲۱۰۰ - ۲۱۰۱ - ۲۱۰۲ - ۲۱۰۳ - ۲۱۰۴ - ۲۱۰۵ - ۲۱۰۶ - ۲۱۰۷ - ۲۱۰۸ - ۲۱۰۹ - ۲۱۱۰ - ۲۱۱۱ - ۲۱۱۲ - ۲۱۱۳ - ۲۱۱۴ - ۲۱۱۵ - ۲۱۱۶ - ۲۱۱۷ - ۲۱۱۸ - ۲۱۱۹ - ۲۱۲۰ - ۲۱۲۱ - ۲۱۲۲ - ۲۱۲۳ - ۲۱۲۴ - ۲۱۲۵ - ۲۱۲۶ - ۲۱۲۷ - ۲۱۲۸ - ۲۱۲۹ - ۲۱۳۰ - ۲۱۳۱ - ۲۱۳۲ - ۲۱۳۳ - ۲۱۳۴ - ۲۱۳۵ - ۲۱۳۶ - ۲۱۳۷ - ۲۱۳۸ - ۲۱۳۹ - ۲۱۴۰ - ۲۱۴۱ - ۲۱۴۲ - ۲۱۴۳ - ۲۱۴۴ - ۲۱۴۵ - ۲۱۴۶ - ۲۱۴۷ - ۲۱۴۸ - ۲۱۴۹ - ۲۱۵۰ - ۲۱۵۱ - ۲۱۵۲ - ۲۱۵۳ - ۲۱۵۴ - ۲۱۵۵ - ۲۱۵۶ - ۲۱۵۷ - ۲۱۵۸ - ۲۱۵۹ - ۲۱۶۰ - ۲۱۶۱ - ۲۱۶۲ - ۲۱۶۳ - ۲۱۶۴ - ۲۱۶۵ - ۲۱۶۶ - ۲۱۶۷ - ۲۱۶۸ - ۲۱۶۹ - ۲۱۷۰ - ۲۱۷۱ - ۲۱۷۲ - ۲۱۷۳ - ۲۱۷۴ - ۲۱۷۵ - ۲۱۷۶ - ۲۱۷۷ - ۲۱۷۸ - ۲۱۷۹ - ۲۱۸۰ - ۲۱۸۱ - ۲۱۸۲ - ۲۱۸۳ - ۲۱۸۴ - ۲۱۸۵ - ۲۱۸۶ - ۲۱۸۷ - ۲۱۸۸ - ۲۱۸۹ - ۲۱۹۰ - ۲۱۹۱ - ۲۱۹۲ - ۲۱۹۳ - ۲۱۹۴ - ۲۱۹۵ - ۲۱۹۶ - ۲۱۹۷ - ۲۱۹۸ - ۲۱۹۹ - ۲۲۰۰ - ۲۲۰۱ - ۲۲۰۲ - ۲۲۰۳ - ۲۲۰۴ - ۲۲۰۵ - ۲۲۰۶ - ۲۲۰۷ - ۲۲۰۸ - ۲۲۰۹ - ۲۲۱۰ - ۲۲۱۱ - ۲۲۱۲ - ۲۲۱۳ - ۲۲۱۴ - ۲۲۱۵ - ۲۲۱۶ - ۲۲۱۷ - ۲۲۱۸ - ۲۲۱۹ - ۲۲۲۰ - ۲۲۲۱ - ۲۲۲۲ - ۲۲۲۳ - ۲۲۲۴ - ۲۲۲۵ - ۲۲۲۶ - ۲۲۲۷ - ۲۲۲۸ - ۲۲۲۹ - ۲۲۳۰ - ۲۲۳۱ - ۲۲۳۲ - ۲۲۳۳ - ۲۲۳۴ - ۲۲۳۵ - ۲۲۳۶ - ۲۲۳۷ - ۲۲۳۸ - ۲۲۳۹ - ۲۲۴۰ - ۲۲۴۱ - ۲۲۴۲ - ۲۲۴۳ - ۲۲۴۴ - ۲۲۴۵ - ۲۲۴۶ - ۲۲۴۷ - ۲۲۴۸ - ۲۲۴۹ - ۲۲۵۰ - ۲۲۵۱ - ۲۲۵۲ - ۲۲۵۳ - ۲۲۵۴ - ۲۲۵۵ - ۲۲۵۶ - ۲۲۵۷ - ۲۲۵۸ - ۲۲۵۹ - ۲۲۶۰ - ۲۲۶۱ - ۲۲۶۲ - ۲۲۶۳ - ۲۲۶۴ - ۲۲۶۵ - ۲۲۶۶ - ۲۲۶۷ - ۲۲۶۸ - ۲۲۶۹ - ۲۲۷۰ - ۲۲۷۱ - ۲۲۷۲ - ۲۲۷۳ - ۲۲۷۴ - ۲۲۷۵ - ۲۲۷۶ - ۲۲۷۷ - ۲۲۷۸ - ۲۲۷۹ - ۲۲۸۰ - ۲۲۸۱ - ۲۲۸۲ - ۲۲۸۳ - ۲۲۸۴ - ۲۲۸۵ - ۲۲۸۶ - ۲۲۸۷ - ۲۲۸۸ - ۲۲۸۹ - ۲۲۹۰ - ۲۲۹۱ - ۲۲۹۲ - ۲۲۹۳ - ۲۲۹۴ - ۲۲۹۵ - ۲۲۹۶ - ۲۲۹۷ - ۲۲۹۸ - ۲۲۹۹ - ۲۳۰۰ - ۲۳۰۱ - ۲۳۰۲ - ۲۳۰۳ - ۲۳۰۴ - ۲۳۰۵ - ۲۳۰۶ - ۲۳۰۷ - ۲۳۰۸ - ۲۳۰۹ - ۲۳۱۰ - ۲۳۱۱ - ۲۳۱۲ - ۲۳۱۳ - ۲۳۱۴ - ۲۳۱۵ - ۲۳۱۶ - ۲۳۱۷ - ۲۳۱۸ - ۲۳۱۹ - ۲۳۲۰ - ۲۳۲۱ - ۲۳۲۲ - ۲۳۲۳ - ۲۳۲۴ - ۲۳۲۵ - ۲۳۲۶ - ۲۳۲۷ - ۲۳۲۸ - ۲۳۲۹ - ۲۳۳۰ - ۲۳۳۱ - ۲۳۳۲ - ۲۳۳۳ - ۲۳۳۴ - ۲۳۳۵ - ۲۳۳۶ - ۲۳۳۷ - ۲۳۳۸ - ۲۳۳۹ - ۲۳۴۰ - ۲۳۴۱ - ۲۳۴۲ - ۲۳۴۳ - ۲۳۴۴ - ۲۳۴۵ - ۲۳۴۶ - ۲۳۴۷ - ۲۳۴۸ - ۲۳۴۹ - ۲۳۵۰ - ۲۳۵۱ - ۲۳۵۲ - ۲۳۵۳ - ۲۳۵۴ - ۲۳۵۵ - ۲۳۵۶ - ۲۳۵۷ - ۲۳۵۸ - ۲۳۵۹ - ۲۳۶۰ - ۲۳۶۱ - ۲۳۶۲ - ۲۳۶۳ - ۲۳۶۴ - ۲۳۶۵ - ۲۳۶۶ - ۲۳۶۷ - ۲۳۶۸ - ۲۳۶۹ - ۲۳۷۰ - ۲۳۷۱ - ۲۳۷۲ - ۲۳۷۳ - ۲۳۷۴ - ۲۳۷۵ - ۲۳۷۶ - ۲۳۷۷ - ۲۳۷۸ - ۲۳۷۹ - ۲۳۸۰ - ۲۳۸۱ - ۲۳۸۲ - ۲۳۸۳ - ۲۳۸۴ - ۲۳۸۵ - ۲۳۸۶ - ۲۳۸۷ - ۲۳۸۸ - ۲۳۸۹ - ۲۳۹۰ - ۲۳۹۱ - ۲۳۹۲ - ۲۳۹۳ - ۲۳۹۴ - ۲۳۹۵ - ۲۳۹۶ - ۲۳۹۷ - ۲۳۹۸ - ۲۳۹۹ - ۲۴۰۰ - ۲۴۰۱ - ۲۴۰۲ - ۲۴۰۳ - ۲۴۰۴ - ۲۴۰۵ - ۲۴۰۶ - ۲۴۰۷ - ۲۴۰۸ - ۲۴۰۹ - ۲۴۱۰ - ۲۴۱۱ - ۲۴۱۲ - ۲۴۱۳ - ۲۴۱۴ - ۲۴۱۵ - ۲۴۱۶ - ۲۴۱۷ - ۲۴۱۸ - ۲۴۱۹ - ۲۴۲۰ - ۲۴۲۱ - ۲۴۲۲ - ۲۴۲۳ - ۲۴۲۴ - ۲



پژوهش



هر یک از نقل‌ها خواص و خصوصاتی داشت مثلاً صاحب نوروزنامه (ص ۸۲ تا ۸۵) از خوراکی‌ها و شیرینی‌ها و میوه‌های خشک و تر با عناوینی، چون: «نقل میوه خشک»، «نقل میوه‌های ترش» و «نقل ریواس و انار» یاد کرده و موقعیت تناول هر یک را

متذکر شده است (لغت‌نامه (نقل). همچنین صاحب تحفه‌الغرائب (ص ۹۱) در حدود قرن پنجم، می‌گوید: «اگر خواهد که طعام خُورَد که شراب خوردن را یاری کند کرب [کلم] خورند یا قسط [کوشنه] یا عدس، و از نقل‌ها ترنج خوردند و ریوند [ریواس] و هر چه شور بود باید که بخورد. و نقل چلغوزه بریان کرده نیک بود، هم از جهت جماع و هم از جهت خوردن شراب».

شاعران و نویسندگان نیز از گونه‌های مختلف میوه‌های خشک و تر و خوراکیهای گرم و سرد، و شیرینی‌ها به عنوان نُقل یاد کرده‌اند. مثلاً حکیم طوس از نقل و نان و نَبید،^۱ منوچهری دامغانی از نُقل و نرگس و کباب و نیز نقل بهی و ترنج و انگور یاد کرده‌اند.^۲ سنائی غزنوی از پسته و بادام و شفتالو، سوزنی سمرقندی و سیدحسن غزنوی از پسته و بادام و قند و پسته شور، خاقانی شروانی از انار دانه،^۳ شهرمدان بن ابی‌الخیر از انار و سیب،^۴ قانع طوسی از خرما و انجیر و انگور و سیب،^۵ نظام‌الدین قمر اصفهانی از لوت (خوراک‌های خوشمزه پیچیده در نان: بَرِماورد)،^۶ کمال خجندی از پسته و بادام و شکر،^۷ امیر خسرو دهلوی از سیب، سدیدالدین علی غزنوی از نبات و عناب و پسته، زکی کاشغری از مغز پسته، محسن فانی کشمیری از آلو و شفتالو و عناب و پسته، اشرف مازندرانی و عاشق سمنانی و رسته نوری و محیط قمی از پسته قندی، طغرالمشهدی و سرخوش لاهوری از پسته و فندق، میرالهی شروانی از پسته شور به عنوان نقل یاد کرده‌اند،^۸ همچنین باباغانی شیرازی از نقل زعفرانی،^۹ لسانی شیرازی^{۱۰} و شفیعا شیرازی،^{۱۱} و بسیاری از سخنوران به نقل پسته و بادام و دیگر نقل‌ها اشاره‌هایی دارند. محمدبن یحیی بن سبک نیشابوری از توزیع نقل‌های بادام و زیتون در یک جشن عمومی سخن گفته است.^{۱۲}

در عرصه جغرافیایی پهنای حوزه زبان فارسی، سخنوران و شاعران زیادی، در تعبیرات و تشبیهات و کنایات خویش، از نقل‌های مختلف - مخصوصاً از پسته و بادام - بهره گرفته‌اند. برخی از آنها دهان دلربایان زیباروی را به پسته، و چشمان شلهای آنان را به بادام تشبیه کرده‌اند، و مضامینی بسیار شیرین یا شورانگیز، چونان پسته و بادام شور، یا بادام قندی و پسته شکرین، با تعبیراتی دلپذیر از نقل ارائه داده‌اند. بعضی از سخن‌سرایان تعبیرات و تشبیهاتی چون: نقلدان پرشکر، پسته قندی، پسته شور، نقل شورانگیز، نقل پسته و نقل را برای دهان؛ و نقل بادامی و بادام قندی یا بادام شورانگیز و بادام نمکین را برای چشمان دلبران و طنازان آورده‌اند. از آن جمله قمری آملی، عطار نیشابوری، فخرالدین عراقی، همایم تبریزی، عبدالرحمان جامی، فیضی دکنی، اشرف مازندرانی، نقی کمره‌ای، میرزا مهدی خوبی، قانی شیرازی مضامینی شاعرانه از نقل و پسته و بادام با تعبیرات و تشبیهات مزبور دارند.^{۱۳}

شرف‌الدین محمد بن حسن رامی (وفات ۷۹۵) در «صفت لب» گفته است «باریک‌بینان جان شیرین به لب آورده‌اند تا لب را از روی دقت ... ادراک کرده‌اند». هم‌وز جمله مشبهاً برای لب را: یاقوت، لعل، عقیق، مرجان، رطب، عناب، قند، نبات، نقل، نار دانه، شکر، شکرستان و شکرین و آب حیات

متذکر شده است.^{۱۴} صاحب قواعد العرفاء و آداب الشعراء، مضمون مزبور را، با کمی تفاوت، منحصراً برای نقل آورده است «نقل. به ضم [اول]. لب را گویند، زیرا که باریک‌بینان از روی دقت به جهت شیرینی، لب را بدین تشبیه نسبت داده‌اند».^{۱۵} سعدالدین وراوینی، برگرداننده مرزبان‌نامه از گویش طبری به فارسی، تعبیری شاعرانه از نقل و

تحقیقی از دکتر محمدحسین امیرپیشمی / ۳

آداب پذیرایی در ایران



فرشهای زیبای ایرانی را باید در همین پندار جستجو کرد، چون ایرانیان در فصول سرد - که در باغ‌ها و بوستان‌ها و دشت و دمن، برگ‌های زرد خزانی و برف و یخ زمستانی جای گل و جلوه‌های بهاری و برگ‌ویار تابستانی را می‌گرفت - با استفاده از پرده‌ها و فرش‌های پر نقش و نگار، از گل و بلبل و جویبارها، در درون خانه‌ها و کاخ‌ها، جلوه‌ها و زیبایی‌های آن فصول را تجسم می‌بخشیدند، و در جهت عینیت بخشیدن رایحه‌های انواع گل‌ها و میوه‌های بهاری و تابستانی از بخوردان‌ها بهره می‌گرفتند. این جلوه‌های بسی دلنشین را می‌توان بر در و دیوار و کف کاخ‌های هخامنشیان، در تخت جمشید عصر داریوش تجسم بخشید.^{۱۶}

خوآن نان و طعام، برکت به حساب می‌آمد، و از دیرباز حرمتی خاص داشت؛ و هم نان و نمک‌شدن جوانمردان و عیاران به پیروی از آداب و سنت‌های خاص بود. سفره غذا پیش از باده‌گساری جمع می‌شد، یا مجلس بزم و باده جدا بود. مثلاً به نوشته تاریخنگار گردیزی، در مجلسی سلطان محمود و قدرخان «در یک خوان نان خوردند، و چون از خوان فارغ شدند به مجلس طرب آمدند. مجلس آراسته بود سخت بدیع: از سپرغمهای غرب و میوه‌های لذیذ، و جواهر گرانمایه».^{۱۷} نان خوردن به معنای غذا خوردن، یا به تعبیر کنونی، صرف ناشتایی، ناهار، یا عصرانه و شام بوده است، که هنوز هم تعبیر قدیمی آن در بین فارسی‌زبانان تاجیکستان و افغانستان و برخی اقوام آسیای میانه (ازبکها، ترکمن‌ها، هزاره‌ها، قرقیزها) و بخش‌هایی از خراسان کنونی تداوم دارد.

به ایسن گونه آداب و رسوم ایرانی، از جمله چیدن نقل و گل در مجالس، در منابع کهن اشارات فراوان شده است. مثلاً قابوس بن وشمگیر در ترتیب بزم و پذیرایی از میهمانان می‌گوید: «پیش از نان خوردن، میوه‌های تر و خشک پیش ایشان نه تا بخورند... و اندر مجلس نقل و اسپرغم بسیار فرمای نهادن».^{۱۸} امام محمدغزالی در آداب پذیرایی از میهمان یادآور می‌شود که صاحب مجلس: «میوه تقدیم کند اول، و سفره از تره خالی ندارد، که چون بر سر سفره سبزی باشد، در اثر است که ملایک حاضر شوند».^{۱۹}

صاحب انیس‌الناس، در همین باب متذکر می‌شود که: «اگر وقت میوه باشد، پیش از آوردن سفره، میوه‌های تر پیش میهمان آرند».^{۲۰} و توصیه می‌کند که بعد از صرف غذا «او بعد از دست و دهان شستن، ملازمان و بندگان را بفرمای تا گلاب و عطریات در مجلس حاضر کنند، تا به سبب روایح آنها بوی غذا از مجلس بیرون رود و مرتفع گردد؛ چه شخص چون سیر گشت، بوی غذا او را خوش نمی‌آید؛ و همچنین بفرمای تا حلویات و نقل فراوان حاضر سازند... مطربان خوش آواز، به انضمام ساز، مثل عود و چنگ و امثال اینها مهیا ساز».^{۲۱} ابوالفضل بیهقی در سال ۴۲۲ هجری اشاره‌ای به شیوه تدارک بزم سلطان محمود غزنوی دارد: «امیر فرمود دو مجلس خانه زرین با صراحیهای پر شراب و نقلدان‌ها و نرگسدان‌ها راست کردند».^{۲۲}

فخر مدبر مبارکشاه غوری در وصف مجلس بزم ملکشاه از جمله می‌نویسد: «جشنی کرده بود نیک ... و از انواع نقل و ریاحین و میوه خشک و تر در آن مجلس نهاده...».^{۲۳} و در ترتیب آراستن و نشستن در بزمی شگفت‌انگیز دیگری می‌گوید: «ملکشاه و اعیان بر خوان بنشستند ... چون از خوان برخاستند، دست بنشستند؛ و مجلس خانه آراسته بودند در بارگاه، و از زرینه و سیمینه و شفافینه و آوندهای زرکوفت، چنانکه باب [در متن چاپی: بابت] پادشاهان باشد، و از انواع نقل و ریاحین و مشمومات و میوه‌های تر و خشک توده‌ها کرده [بودند]؛ در آنجا رفتند و به شراب خوردن بنشستند».^{۲۴}

پی نوشت‌ها:

۱. دهخدا، لغت‌نامه، نقل.
۲. دیوان منوچهری دامغانی (چاپ محمد دبیر سیالقی، تهران، زوار، ۱۳۳۷). ص ۱۶۲ و ۲۱۵.
۳. محمدحسین امیرپیشمی، پسته نامه (تهران، بانک کشاورزی، ۱۳۷۱)، ص ۲۱ و ۲۲.
۴. دهخدا، لغت‌نامه، نقل.
۵. شهرمدان بن ابی‌الخیر، بهمن‌نامه (چاپ رحیم عقیقی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰)، ص ۸۶.
۶. قانع طوسی، کلیله و دمنه منظوم (چاپ ماکاتی تودوا، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۸)، ص ۴۴۸.
۷. دیوان نظام‌الدین محمود قمری اصفهانی (چاپ تقی بینش، مشهد، انتشارات باران، ۱۳۶۳)، ص ۱۵۱.
۸. دیوان کمال‌الدین مسعود خجندی (چاپ: ک. شیدفر، مسکو، ۱۹۷۵ م)، ص ۲۸۸ و ۹۵۰.
۹. امیرپیشمی، پسته‌نامه، ص ۲۱، ۳۶، ۹۲، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۶ و ۱۱۸.
۱۰. دیوان اشعار باباغانی شیرازی (چاپ احمد سهیلی خوانساری، تهران، اقبال، ۱۳۵۳)، ص ۴۰۸.
۱۱. مولانا لسانی شیرازی، شهر آشوب (چاپ سیدعلی رضا مجتهدزاده، مشهد، ۱۳۴۵)، ص ۳۰.
۱۲. دیوان شفیعی شیرازی (چاپ رضا عبداللهی، تهران، انتشارات برگ، ۱۳۷۲)، ص ۲۵۷.
۱۳. محمد یحیی بن سبک مشهور به فتاحی نیشابوری، دستور عشاق (چاپ: ر. س. گرین شیلدنز، برلین، ۱۹۲۶ م، ص ۱۰۸.
۱۴. امیرپیشمی، پسته‌نامه، ص ۴۹، ۴۸، ۶۰، ۸۲، ۹۶، ۱۰۲ و ۱۱۱.
۱۵. شرف‌الدین محمد بن حسن رامی، انیس‌العشاق (چاپ محسن کیانی، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۶)، ص ۶۷.
۱۶. نظام‌الدین تربتی قندهاری پوشش‌نچی، قواعدالعرفاء و آداب الشعراء (چاپ احمد مجاهد، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۴)، ص ۲۸۱.
۱۷. مرزبان‌نامه، تألیف مرزبان بن رستم بن شروین، از شاهزادگان طبرستان در اواخر قرن چهارم، تحریر سعدالدین وراوینی (در اوایل قرن هفتم) چاپ محمد قزوینی (لیسدن، ۱۹۰۹ م / ۱۳۲۷ هجری)، ص ۲۴۸.
۱۸. سمک عیارج، ص ۱، ۴۰؛ و نیز محمد معین (فرهنگ فارسی (نقل).
۱۹. امیرپیشمی، زعفران ایران، ص ۲۴۸ تا ۲۵۲.
۲۰. تاریخ برامکه، عبدالعظیم خان گرکانی (تهران، ۱۳۶۲)، ص ۳۲۴.
۲۱. امیرپیشمی، زعفران ایران، ص ۲۵۰ و ۲۵۴.
۲۲. گردیزی، زین‌الاحبار / تاریخ گردیزی، ابوسعید عبدالحی گردیزی (چاپ عبدالحی حبیبی، تهران، ۱۳۶۳)، ص ۴۰۷.
۲۳. قابوس بن وشمگیر، قابوس‌نامه (چاپ غلامحسین یوسفی، تهران، ۱۳۶۴)، ص ۷۱.
۲۴. امام محمد غزالی، کیمیای سعادت (چاپ حسین خریو جم، تهران، ۱۳۶۱)، ص ۲۹۹.
۲۵. شجاع، انیس‌الناس (تهران، چاپ ایرج افشار، ۱۳۵۶)، ص ۲۷۳.
۲۶. همو، ص ۲۷۶.
۲۷. ابوالفضل بیهقی، تاریخ بیهقی (چاپ علی‌اکبر فیاض، مشهد، ۱۳۵۶)، ص ۲۹۰.
۲۸. مبارکشاه، آداب الحرب و الشجاعة (چاپ احمد سهیلی خوانساری، تهران، ۱۳۶۶)، ص ۱۵۱ و ۱۵۲.
۲۹. همو، ص ۱۵۵.

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه شنبه ۲۰ تیر ماه ۱۳۵۷
(برابر با ۵ شعبان ۱۳۹۸، ۹ ژوئیه ۱۹۷۸) نقل شده است

اجتماعات و تظاهرات سیاسی قانونی میشود

در پایان جلسه دیروز هیئت وزیران اعلام شد سال آینده تولیدات داخلی جوابگوی احتیاجات سیمان کشور خواهد بود و نیازی به وارد کردن سیمان نخواهیم داشت.

همچنین گفته شد در بحر خزر یک خط کشتی رانی
حما، بار و مسافر دایر خواهد شد.

نخست وزیر گفت: از این پس حفاری خیابان‌ها هماهنگ خواهد شد. آموزگار در پاسخ پرسش یکی از خبرنگاران در مورد تدوین لایحه تظاهرات در ایران گفت: همانطور که درباره فضای باز سیاسی صحبت میشود بموازات آن نیز باید لایحه‌ای برای انجام تظاهرات بصورت قانونی تهیه شود و همانطور که میدانید در تمام کشورهایی که این گونه تظاهرات برگزار میشود قوانینی نیز برای چگونگی برپائی آن وجود دارد که در کشور ما نیز باید با توجه به فضای باز سیاسی، این قانون نیز وضع شود.

حمله شدید نمایندگان اصناف به نهادهای و جناح جدید

دیروز نمایندگان جامعه اصناف پایتخت اولین و شدیدترین عکس‌العمل را علیه گروه بررسی مسائل ایران نشان دادند و آنها را متهم کردند که درباره اتاق اصناف حرفه‌ای زده‌اند که خودشان اسمش را تحقیقات گذارند اما «اگر تحقیقات این گروه در همه زمینه‌ها مانند تحقیقاتی باشد که در اطراف وظایف اتاق اصناف صورت گرفته واقعاً جای تأسف است» این گروه که می‌خواهند مسائل مختلف مملکتی را از نقطه نظرهای متفاوت مورد بررسی و ارزشیابی قرار دهند بخودشان زحمت ندادند که لاقول یکبار قانون نظام صنفی را مطالعه کنند در بیانیه‌ای که از طرف نمایندگان جامعه اصناف پایتخت که بعد از اجتماع عصر دیروز بدست ما رسید آمده است جامعه اصناف پایتخت و نمایندگان اتحادیه‌های صنفی در برابر مسایلی که از سوی آقای دکتر هوشنگ نهندانی و اعضای گروه بررسی مسائل ایران مطرح شده‌است سؤال‌ها دارند.

شرکت بزرگ مهندسی و ساختمانی در ایران تاسیس شد

به منظور بی‌نیاز کردن هرچه بیشتر صنایع کشور از تکنولوژی خارجی در زمینه طراحی و ساختمان تأسیسات گوناگون صنعتی درپروژه قراردادهای تأسیس شرکت «مهندسی و ساختمانی ایران» با مشارکت شرکت ملی نفت ایران - سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران - شرکت آمریکایی بکتل، امضاء و مبادله شد.

شرکت ملی نفت ایران و سازمان گسترش و
نوسازی صنایع ایران در زمینه‌های مختلف اجرای
طرح‌های صنعتی در ایران دارای تجربیات ممتد و قابل
توجهی هستند و شرکت «مهندسی و ساختمانی ایران»
بدین ترتیب با استفاده از کمک‌های فنی سهامداران کادر
فنی و تخصصی مجرب را تأمین می‌کند.

پرسی کامل اقتصاد ایران

محافل آگاه اطلاع میدهند که روزنامه معتبر مالی بریتانیا، «فایننشال تایمز» تصمیم دارد در شهریور ماه امسال بررسی کاملی از اوضاع اقتصادی ایران را منتشر کند که در آن کلیه جنبه‌های اقتصاد ملی ایران، از برنامه ساختن نیروگاه‌های اتمی گرفته تا فعالیتهای بازار تهران مورد توجه قرار خواهد گرفت.

فاینشال تایمز در این بررسی که روز ۲۱ شهریور منتشر خواهد شد به تحولات سیاسی اخیر ایران و توسعه بیسابقه تجارت خارج توجه کرده و موضوعاتی چون قراردادهای جدید داد و ستد بین ایران و ممالک دیگر که بعقیده فاینشال تایمز نشاندهنده تصمیم ایران است را مورد بررسی قرار خواهد داد.

انتخابات کانون و کلاهی دادگستری انجام شد

اولین جلسه هیئت مدیره جدید کانون وکلای دادگستری صبح امروز در محل کانون تشکیل شد. ساعت ۱۱ صبح امروز حاضران در جلسه رای خود را برای انتخاب رئیس، نواب رئیس، دو بازرس و منشی به داخل صندوق مخصوص انباشتند. پس از قرائت آراء آقای حسن نزیه با ۸ رأی به ریاست کانون انتخاب شد. هدایت‌اله متین دفتری و انواری بسمت نواب رئیس و صادق وزیری بسمت بازرس کانون انتخاب شدند.

قاب امروز



کنسرت گروه دف نوازان مشتاق / عکس از: مریم ابراهیمی فلاحي

سرایه

مدعی از طعن تو ما را چه ملاست
بارد و قبول تو چه نقص و چه کمالست
م که جهان آتش سوزنده بگیرد
بی آب شود جوهر یاقوت محالست
ما سر بازارچه لعل فروشیست
مگشا سر صندوق که بر سنگ و سفالست

مارا به هما دعوی پرواز بلند است
باری تو چه مرغی و کداهت پر و بالست
با بلبل خوش لهجه این باغ چه لافند
سوسن به زبان آوری خویش که لالست
خوش باشد اگر هست کسی را سر پیکار
ناورد که ما سر میدان خیالست
خاموش نشین وحشی اگر صاحب حالی
کاینها که تو گفتی و شنیدی همه قالست
وحشی بافقی

امروز در تاریخ

آغاز سفرهای دریایی یک مسلمان چینی

۱۱ جولای سال ۱۴۰۵ «ژنگ هه» از دیرباریان چین با چند کشتی برای رسیدن به مناطق دور دست غرب چین، خاک این کشور را ترک کرد. وی در این تالش از راه دریا به مالاکا، جاوه، سوماترا، هند ایران و مناطق اطراف خلیج فارس و شبه جزیره عربستان در آسیا، و مصر، و سواحل شرقی و غربی آفریقا رسید. ژنگ هه و مسلمانان در اصل از مردم آسیای میانه بود.

ماندنی ترین دوئل در طول تاریخ

ماندنی ترین «دوئل» در طول تاریخ، ۱۱ جولای سال ۱۸۰۴ میان «آرن بر» معاون رئیس جمهوری وقت آمریکا و الکساندر هامیلتون وزیر خزانه داری وقت این کشور در «ایهاکن» ایالت نیوجرسی روی داد که به کشته شدن هامیلتون انجامید. هر دو ۴۹ ساله و از روزندگان انقلاب استقلال آمریکا بودند. در جریان مبارزات انتخاباتی نیویورک، هامیلتون برضد «بر» سخن گفت و در روزنامه ها به حراف رسید و «بر» از هامیلتون خواست که در ملاء عام چپ خود را پس بگیرد و عذرخواهی کند و چون بنام هامیلتون او را قاتل نساخت، دوئل کردند.

اعلان جنگ رومانی به بلغارستان

دولت رومانی یازدهم جولای سال ۱۹۱۳ از اثرانی جنگ دوم بالکان - به دولت بلغارستان اعلان جنگ داد و متعاقب آن خاک این کشور را مورد حمله قرار داد. جنگ اول بالکان هشتم اکتبر ۱۹۱۲ میان اتحاد بالکان مرکب از صربستان، بلغارستان، یونان و مونته نگرو از یک سوی و دولت عثمانی از سه سوی دیگر روی داد و تا ماه می ۱۹۱۳ ادامه داشت و به شکست عثمانی، امضای پیمان لندن و استخراج آن امپراتوری پس از چهار قرن و اندی از اروپای جنوبی (شبه جزیره بالکان) انجامید.

انقلاب مغولستان

یازدهم جولای سالروز انقلاب استقلال مغولستان و در عین حال زمان برگزاری مسابقه های سالانه سه گانه این سرزمین معروف به نادم مرکب از اسب دوانی، تیراندازی با کمان و کشتی است. مغولستان شمالی از ۱۶۹۱ تا ۱۹۱۱ در قلمرو دودمان منچو (پادشاهان وقت چین) قرار داشت که در آن سال با کمک روسیه درصدد جدا شدن مغولستان جنوبی برآمد و انقلاب داخلی چین (انقلاب سون یات سن) هم به این جدایی کمک کرد.

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

[illegible]

سوڊوڪو

۲۲۲۹

			၈					၃
	၃			၇			၄	
		၉	၆	၃		၅		၁
		၇		၂				၃
	၈	၆				၉	၂	
၉				၆		၁		
၃		၅		၉	၇	၂		
	၆			၁			၉	
၂					၆			

୩	୪	୧	୬	୮	୨	୧	୭
୧	୨	୭	୩	୪	୧	୮	୯
୬	୮	୨	୧	୨	୭	୩	୧
୧	୩	୪	୨	୭	୬	୮	୨
୮	୬	୧	୧	୩	୨	୭	୪
୨	୭	୨	୪	୧	୮	୩	୬
୨	୧	୩	୮	୨	୪	୬	୧
୪	୧	୬	୭	୧	୩	୨	୮
୭	୨	୮	୨	୬	୧	୩	୮

ح، ۲۲۲۸